

بایسته‌های نوین علمی بازجویی و تحقیق در قلمرو ادله اثبات حقیقت

امیرعباس بزرگمهر^۱، احمد فلاحی^۲

^۱استادیار گروه حقوق دانشگاه عدالت

^۲دانش آموخته رشته حقوق مقطع دکترا دانشگاه عدالت

نویسنده مسئول:

امیرعباس بزرگمهر

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال ششم)
شماره ۲۱ / پاییز ۱۳۹۹ / ص ۱۰۶-۱۲۸

چکیده

اخیراً با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر در علوم و تکنولوژی، روش‌های علمی کشف حقیقت به سیستم تحقیقات قضائی وارد شده است. در این پژوهش، هدف آن بود که اعتبار نتایج حاصل از این روش‌ها، به‌عنوان دلیل اثبات، در دادگاه‌ها، بررسی شود. چنین نتیجه شده که بالاترین درجه ادله اثبات، اقرار و سپس شهادت مبتنی بر واقعیت است؛ اما اگر شرایط صحت آنان به‌طور کامل محقق نشد، به‌عنوان نشانه، مورد استفاده قرار گرفته و در صورت عدم تحقق شرایط، مردود شده و هیچ اعتباری ندارند. نتایج حاصل از روش‌های جدید، برحسب پیشینه اعتماد بدان، درجه اماره جدیدی را به جریان دادرسی وارد می‌کند. متناسب با موضوع پرونده، می‌توان از امارات با درجه قوت مناسب استفاده کرد و قاضی نیز با استناد بدان‌ها، نظر خود را بیان کند. بسته به درجه قوت امارات و همچنین موضوع پرونده، قاضی می‌تواند مسئولیت‌های مورد بحث در پرونده را تعیین کند و یا حداقل نسبت به تعدیل حکم، براساس اختیارات خود اقدام نماید. البته قابل ذکر است که در جرائم مستوجب حد و قصاص، تعدیل قابل کاربرد نیست و تنها وظیفه تعیین مسئولیت، به قاضی سپرده شده است. هراندازه اعتماد به امارات بیان شده بیشتر باشد، قوت حکم صادره در مراجع فرجام‌خواهی بیشتر بوده و احتمال نقض آن کمتر است.

واژگان کلیدی: کشف حقیقت، تحقیق قضائی، علم قاضی، روش‌های بازجویی، ادله اثبات.

۱- مقدمه

مسئله تحقیقات قضائی در علم حقوق، به بلندای قدمت بشریت و از اصول ابتدایی حقوقی است. منابع فقهی که معمولاً پیامبران را داوران خطاب می‌نمودند، به کیفیت تحقیقات در رسیدگی به دعاوا اشاره داشته‌اند. لذا مسئله تحقیق و کشف حقیقت بر پایه منابع فقهی استوار بوده و قدمت بلندی دارد. بر این مبنا مسئله شهادت ریشه فقهی عمیقی داشته که بحث‌های مختلف در این باره آمده است. همچنین نظر ائمه معصوم (ع) و سیره آنها در رابطه با شهادت قابل توجه است. به هر حال، هدف کلی آن بوده که حقیقت یک امر برای قاضی که مسئول اجرای عدالت است، محرز گردد. اصول حقوقی در اکثر موارد ضمن توجه به کشف حقیقت واقعی، استناد آن را مد نظر داشته‌اند. لذا اقراری که با شکنجه اخذ شده باشد، فاقد اعتبار است و این مسئله به صورت یک منطقه حقوقی درآمده است. سیر تحولی نظام تحقیق قضایی از همان ابتدای بشریت تاکنون مراحل مختلفی را پیموده است. امروزه ساختار نظام دادگستری به دادسرا و دادگاه تقسیم شده و معمولاً دادسراها مسئول پیگیری تحقیقات در حوزه دعاوی حقوقی و یا جرایم کیفری هستند. اما معمولاً وظیفه دادسراها به امور حقوقی بازگشته و اثبات مسائل حقوقی با توجه به وظیفه آنها قابل توجه است. بر همین اساس ضابطین دادگستری تعریف شده که نقش مهمی در تحقیقات قضائی دارند. هر چند که اختیارات حقوقی برای ضابطین دادگستری بسیار محدود است، اما از تجربه و تخصص آنها در کشف حقیقت و بسیاری از امورات حقوقی بهره گرفته که ابزار کار حقوقدانان محسوب می‌شود. پرسنل زحمت کش نیروی انتظامی در راستای وظیفه و تخصص خود، بسیاری از حقایق را کشف می‌کنند. اما گاه در حیطه حقوقی، آن کشفیات قابل استناد نمی‌باشند. هر چند که تعامل بین قوه قضائیه با ضابطین خود بسیار مثبت بوده، اما نیاز است که اصول حقوقی اولیه در طرح تحقیقات مراعات شود. بر این اساس هر روش علمی جدید که به دنیای تحقیقات قضائی وارد می‌شود، می‌بایست مبنای حقوقی خاص خود را داشته باشد. فن بازجویی و تحقیق از جمله فنونی است که از دیر باز و در صحنه‌های مختلف و مراحل متفاوت اجتماعی و فردی مورد توجه بشر بوده و چه به صورت آشکار و واضح یا غیر مستقیم در بیشتر کارها و فعالیت‌های انسانی نقش آفرینی کرده است. بازجویی و تفحص‌های مدرن، مطالعه‌ای بر روی طبیعت انسان است. همچنین شناخت و اشراف تئوریک در کنار تجربه و کاربرد در صحنه‌های مختلف راه گشاست و در صورتی که این دو موضوع با هم توأم باشند، نتایج تحقیق تضمین می‌شوند و فراگیرنده تبدیل به مصاحبه‌گر مجرب خواهد شد. روستای نژاد و اوسط خانجانی (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی جایگاه شهادت شهود در اثبات جرایم شرعی پرداخته و بیان داشتند که هر وسیله‌ای که بتواند به نحوی هرچند کم به اثبات دعاوا بیانجامد، می‌تواند در جریان صدور رأی مؤثر واقع شود. زارع شعار (۱۳۹۵) در تحقیقی اقرار کیفری در حقوق ایران را بررسی نمود و بیان داشت که از اصول روانشناسی تنها با هدف گرفتن اقرار مطابق با اصول و قوانین مندرج در آئین دادرسی استفاده شده و استناد به آن تنها با وجود اقرار صریح میسر است. رجب (۱۳۹۳) در تحقیقی بیان داشت که دین مبین اسلام، وجود وسیله‌ای که بار علمی آن از نظر متخصصین به اثبات رسیده است، را تایید کرده و می‌تواند مبنای دادرسی قرار گیرد. وی به دستگاه دروغ سنج اشاره کرد و عنوان داشت که در صورت صد درصد ضمانت صحت آن می‌تواند مبنای صدور رأی در دادگاه شرعی قرار گیرد. ماکسول^۱ (۲۰۱۹) در تحقیق خود تحقق علوم اثبات صحت را بررسی کرد و بیان داشت که کارشناسی در این حوزه وجود نداشته و تنها در تحقیقات پرونده مختومه، می‌توان به اثبات نهایی جرم دست یافت. منتسری^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی بیان کرد که می‌توان بر همین مبنا، اثر روش‌های روانشناسی در بازجویی را اثبات کرد و براساس آنها حکم صادر نمود. نوینگ^۳ و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی در زمینه کیفیت تحقیق و سپس دروغ‌سنجی چنین استدلال کرد که مبنای کامن لا، تنها در دعاوی مالی، استناد چنین ابزارهایی را قبول می‌کند. لذا در جرائم سنگین و یا مسائل کیفری نمی‌توان به چنین ماده‌ای استناد کرد. این پژوهش با هدف پاسخ دهی به این سوال بوده که اعتبار استناد به روش‌های نوین بازجویی در جریان اثبات دعاوا در دادگاه‌ها به چه صورت است؟ به نظر می‌رسد که با توجه به ادله علمی روش‌های نوین بازجویی، قطعاً بر نظر قاضی تاثیرگذار است و می‌تواند در جریان صدور رأی در حیطه اختیارات قانونی

^۱ Maxwell^۲ Montasari^۳ Newig

وی، مؤثر باشد. در این پژوهش ماهیت حقوقی روش های نوین بازجویی و نقش آنها در اثبات حقوقی دادگاه مورد بحث قرار گرفته و هدف آن است که ادله استناد به نتایج چنین تحقیقاتی در جریان دادرسی حقوقی بررسی گردد.

۲- کشف حقیقت در امور قضائی

پس از آشنایی با مفاهیم دلیل و اثبات، تحقیقات در حوزه حقوقی و کیفری بررسی شده و سپس ادله اثبات جرم در دو نوع دادرسی بیان گردیده که از این بین، علم قاضی با توجه به ارتباط تنگاتنگ با موضوع پژوهش، با تفصیل بیشتری بحث گردیده است.

۲-۱ دلیل

دلیل در لغت به معنای راهنما، راهبر و مرشد (فرهنگ لغت دهخدا) سبب، جهت (فرهنگ معین) و آنچه برای ثابت کردن امری بیاورند (فرهنگ لغت عمید) آمده است. ادله جمع مکسر دلیل و جمع دیگر دلالت یا دلالت دلائل است. دلیل در اصطلاح حقوقی عامل اثبات حقیقت امری است که مورد انکار قرار می گیرد. قانون مدنی با اینکه یک جلد را به شرح ادله اثبات دعوی اختصاص داده تعریفی از دلیل نکرده است. آئین دادرسی مدنی در ماده ۱۹۴ دلیل را به این عبارت تعریف می نماید "دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوی برای اثبات دعوی یا دفاع از دعوی به آن استناد می نمایند". آنها که بیشتر در امور جزائی به دنبال مطالعه هستند می گویند دلیل، نوری است که قاضی را برای کشف حقیقت راهنمایی می کند. به این ترتیب، دلیل لسان قانون معنی محدودی دارد و امری است که کاربرد آن در دادگاه است و زمان ظهور و تجلی آن زمان دعوی و دفاع است. در یک معنی وسیع، دلیل حافظ و نگهدارنده حق شناخته می شود، اعم از اینکه دعوایی مطرح و از دلیل استفاده شود یا نشود و بالاخره به تعریفی از دلیل رسیده که بیان می دارد دلیل مبنای علم و یقین قاضی در اثبات بزهکاری است. مجموع وسایلی است که به کمک آن قاضی وقوع جرم و شناخت فاعل مادی و معنوی آن به تصمیم مبادرت می ورزد (خزائی، ۱۳۹۷: ۴۱).

۲-۲ اثبات

اثبات به معنای نیک شناختن (دهخدا) ثابت گردانیدن (معین) و پابرجا کردن (عمید) تعریف شده است. هر صاحب حق باید آن چنان دلیل در اختیار داشته باشد که در هر لحظه بتواند حق مرحله ثبوتی را در مرحله بنشاند و هر حقی محتاج قدرت اثبات است، اگر توانائی اثبات حق نباشد، چه بسا مورد احترام قرار نگیرد. در تحقیقات و باز جوئی ها و رسیدگی دادگاه وقوع جرم و انتساب آن به شخص متهم باید اثبات شود در امور جزائی هم چون امور مدنی دلیل ابزار اصلی صاحب حق است دارنده واقعی حق اگر حشش در معرض انکار قرار گیرد، باید با دلیل آن را اثبات کند و اگر دلیل نداشته باشد، مانند کسی است که اصلا حق ندارد (سلیمی، ۱۳۹۵: ۴۴).

۲-۳ تحقیقات در جرائم کیفری

برای کشف و تعقیب جرائم، قاضی محکمه و قاضی تحقیق به جمع آوری همه انواع دلایل ممکن مبادرت می ورزند، و در توسل به دلایل محدودیتی ندارند. از آنجا که اکثر جرایم در محلی ارتکاب می یابند و احتمالا آثاری در آن محل باقی می گذارند، از جمله دلایل معمول کشف جرم معاینه محل و تحقیق محلی است که توسط قاضی دادگاه یا قاضی تحقیق و یا به دستور آنان توسط ضابطین دادگستری و یا اهل خبره مورد وثوق قاضی انجام می شود (باقری اصل، ۱۳۸۵: ۲۵).

نخستین اقدامی که پس از اطلاع یافتن از وقوع جرایمی همانند قتل، سرقت، آتش سوزی های مشکوک به عمد و غیره صورت گیرد، حفظ صحنه جرم است که روشهای کار برحسب نوع جرم، مکان وقوع آن و امکانات موجود متفاوت بوده و به طور اجمالی به شرح ذیل است: (روستائی نژاد و اوسط زنجانی، ۱۳۹۶: ۳۸).

الف) در صورتی که جرمی در یک محیط محصور همانند مغازه، اتاق، حیاط منزل و امثال آن رخ داده باشد می توان با بستن در ورودی و گماردن نگهبان، صحنه جرم را به نحو مطلوب حفظ کرد. در مورد محل های فاقد سقف مانند حیاط منازل و غیره نگهبان باید مراقبت نماید، کسی از دیوارهای اطراف نیز به طور غیر مجاز وارد صحنه جرم نگردد و به دلایل و مدارک موجود لطمه ای وارد نسازد.

ب) در صورتی که جرم در محوطه وسیع‌تری مانند جاده‌ای خارج شهر و امثال آن رخ داده باشد، باید پس از مشخص کردن حریم صحنه جرم اطراف محل‌هایی که مدرک جرم از قبیل اسلحه، خون و غیره وجود دارد سنگ چین گردد و با گماردن نگهبان ثابت و سیار صحنه حفظ شود. برای حفظ صحنه جرم باید کلیه اشخاص حاضر در صحنه جرم به جز کسانی که بنابر وظائف قانونی باید در صحنه جرم حضور داشته باشند از صحنه جرم خارج گردند. شهود و مطلعین باید سریعاً مشخص و اطلاعات ضروری در مورد چگونگی وقوع جرم اخذ شود. باید توجه داشت که پیش از تحقیقات اولیه نباید این قبیل افراد در یک نقطه و در کنار هم نگه داشته شوند زیرا به تجربه ثابت شده است که چنانچه پیش از انجام تحقیقات، چند شاهد پهلوی هم قرار گیرند ناخواسته و ناخودآگاه باهم صحبت و تبادل اطلاعات می‌نمایند و در نتیجه ممکن است هنگام ادای شهادت مطالبی را در مورد حادثه مورد نظر عنوان نمایند که خود بطور مستقیم آن را ندیده و شنیده‌اند بلکه صرفاً نقل قولی از سایر شهود باشد.

در مقام جمع‌آوری دلایل مربوط به وقوع جرم و له و علیه متهم، یکی از راه‌های معمول تحقیق محلی است. تحقیق محلی یعنی انعکاس اطلاعات شهود و مطلعین در پرونده جزایی. غالباً تحقیق محلی به همراه معاینه محل در یک زمان انجام می‌شود. هم وضع محل و هم کلیه اطلاعات محلی‌ها جمع‌آوری می‌گردد. هر تحقیق محلی مثل معاینه محل وضع مستقلی دارد و راه و رسم خودش را می‌طلبد که قاضی یا مامور انجام آن باید توجه داشته باشد تا نتیجه مطلوب حاصل گردد. در جریان تحقیق محلی شقوق مختلفی فرض دارد. ممکن است در موردی از تحقیق محلی هیچ مطلبی بدست نیاید و کسی اطلاعی ندهد و جرم در کمال اخفاء در محل واقع شده باشد. حتی در این صورت هم امکان دارد، مطلعین از سوابق متهم و مجنی علیه و روابط قبلی آنها مطلبی را بدانند که انگیزه وقوع جرم را بیان کند و قاضی را به سمت واقع امر بکشاند. ممکن است در تحقیق محلی اشخاص ناظر جریان ارتکاب بوده‌اند. اشخاص از شاهدین واقعه در همان ساعات اولیه جریان را شنیده‌اند و اطلاعات خوبی دارند ممکن است افرادی از متهم یا متهمین و یا منسوبین آنها و از شاکی و اطرافیان او مطالبی شنیده باشند که با تحقیق از آنها دادگاه به حقایقی از علت و نحوه ارتکاب جرم آگاه شود. در تحقیق محلی ممکن است از افرادی نامبرده شود که شکایت در ابتدا متوجه آنها نبود و بعد کم کم در معرض اتهام قرار گیرند و در نهایت مرتکب اصلی شناخته شوند. در تحقیق محلی ممکن است اطلاعات داده شود که حکایت از آن کند، اصلاً جرمی واقع نشده و شاکی برای اعراض خاصی صحنه‌سازی کرده‌اند. تحقیق محلی ممکن است با دیگر دلایل در یک جهت باشد و آنها را تأیید کند و قاضی را به حقیقت نزدیک سازد. همین طور تحقیق محلی به کارشناس و اهل خبره کمک می‌کند که نظری صحیح ابراز دارند (سهرابی، ۱۳۸۸: ۴۰).

در مقام تحقیقات کیفری گر چه قاضی غالباً اطلاعات علمی و فنی و تخصصی در رشته‌های مختلف ندارد و به همین جهت از اهل خبره استفاده می‌کند تا نظر تحقیق دقیق در خصوص مورد بدهند. اما این قاضی است که به‌رحال باید قانع بشود که تحقیقات و اظهار نظر خبره در جهت کشف حقیقت پیش رود و یا شفاهی به عمل آورده و آنرا در صورت جلسه قید نماید در صورتیکه بعضی از آثار از نظر قاضی حائز اهمیت در کشف حقیقت باشد ولی به نظر خبره این اهمیت را نداشته باشد خبره مکلف است به درخواست قاضی نسبت به آن اظهار نظر نماید. این موضوع مهم و قابل توجه است. که قانون‌گذار قاضی را محور امر قضاوت می‌شناسد تمام کسانی که شهادت می‌دهند و یا نظر تخصصی ابراز دارند باید نظر قاضی را در صحت موارد اعلامی جلب نمایند. اگر مطابق شرایط علمی و تحقیقات فنی و آزمایشگاهی نظر متخصص اعلام می‌شود و قاضی با اوضاع و احوال پرونده جای سوال برایش باقی می‌ماند باید سوالاتش را مطرح نماید و اهل خبره به آن پاسخ بدهند (معرفت، ۱۳۶۴: ۴۵).

در جریان این سوال و جوابها و ابراز نظریه علمی در صورتیکه بعضی از آثار از نظر قاضی حائز اهمیت در کشف حقیقت باشد ولی به نظر خبره این اهمیت را نداشته باشد، خبره مکلف است به درخواست قاضی نسبت به آن اظهار نظر نماید. مثلاً اگر فرضاً لکه‌های زرد رنگی روی بازوی مقتول دیده می‌شود که از نظر پزشکی قانونی مهم نیست ولی فرضیه قاضی بر این است که آن لکه‌های آثار جسمی سخت است که با آن دستهای مقتول بسته شده است. پزشک قانونی با تحقیق و آزمایش باید بالاخره صریحاً اعلام کند آن لکه‌ها به چه سبب پیدا شده است عامل بیماری و درونی داشتید یا آن طور که قاضی استنباط کرده نتیجه فشار جسم سختی بر بازوان مقتول بوه است. متخصص نمی‌تواند سوالات قاضی را هر چند که پایه علمی و تخصص نداشته باشد نادیده بگیرد زیرا مسئول کشف حقیقت قاضی است نه

متخصص. متخصص نتیجه آزمایش و تحقیق را بیان می‌کند تفسیر و تحلیل آن و انطباق با موضوع با قاضی است در پرونده ایراد جرح با چاقو متهم ادعا دارد شاکی خود زنی کرده پزشک قانونی باید نظر تخصصی بدهد غالباً بر اساس ضوابطی که دارند چاقو خوردگی را از خود زنی تشخیص می‌دهند گاهی برحسب اتفاق جرح با چاقو طوری شکل می‌گیرد یک پنداری یک خود زنی تمام عیار است به همین جهت تنها گواهی پزشک قانونی نباید همیشه مبنا قرار گیرد (مدنی، ۱۳۸۰: ۴۰).

کشف حقیقت در امر کیفری با قاضی است. اهل نتیجه تحقیق و آزمایش خود را اظهار می‌نمایند. کارشناس خط می‌گوید: این خط بدلیل نقطه گذاری که دارد، زاویه حروف، عادت در کشیدگی سین و شین و لرزش دست با آن امضا متفاوت است نویسنده این خط نمی‌تواند صاحب آن، امضا باشد. پزشک قانونی اظهار می‌کند که مرگ در اثر ایست قلبی است و جراحات و خون مردگی‌های صورت و دستها نمی‌تواند عامل مرگ باشد. متخصص قفل‌سازی می‌گوید این قفل با هیچ کلیدی باز نمی‌شود هر کدام دلایلی بر اظهار نظر خود ابراز می‌دارند قاضی در هر مورد سوالاتی از کارشناس می‌کند ولی جواب قانع کننده ای به قاضی نمی‌دهد قاضی ناچار متخصصین دیگری را برای ابراز نظر دعوت می‌کند نظراتی که ابراز می‌کنند با متخصصین قبلی تفاوت دارد قاضی نظرات ابراز شده را نزد متخصصینی که اطلاعات بیشتری دارند می‌فرستد اشخاص یاد شده در صورت لزوم خود را پس از اخذ توضیح از متخصصین اولیه و یا با معاینه مستقیم بطور کلی به قاضی می‌دهند باز هم قاضی ملزم نیست که نظر جدید را درست بپذیرد باید با محتویات پرونده صحیح را دریابد و بر این تطبیق و استخراج استدلال کند. قاضی نمی‌تواند بدون استدلال بگوید نظر دسته اول یا دوم یا سوم درست است (سهرابی، ۱۳۸۸: ۳۰).

۲-۴ تحقیقات در دعاوی حقوقی

دعاوی حقوقی به آن دسته از اختلافات بین افراد گفته شده که غایت قضائی آنها، جبران خسارت و حقوق ضایع شده است. تحقیقات در این حوزه به نسبت جرائم کیفری بسیار ساده تر بوده و لیکن صدور حکم با توجه به ادله جمع آوری شده میسر است. در این قسمت در رابطه با دادرسی دعاوی حقوقی بحث شده است. قضاء گویا کاری خدائی گون است. لفظ قضاء هم انگار در چنین بستری از معنا صورت بسته است و در لایه های زیرین معنایی خود با تمام شبکه تداعی معنای خاصی که می‌تواند به ذهن مخالب همراه کنند. گویی قاضی کسی باشد که دست به پشت پرده اسرار ازال دراز می‌کنند و کاشفانه اما نه چندان فروتنانه، مقتضای حقیقت و حق را کشف و اعلام می‌کند. کشف حقیقت، ظاهراً بخش نخست کار قاضی است. جایی که امر موضوعی را تشخیص می‌دهد و توصیف می‌کند و به یک اعتبار صغرای قیاس منطقی خود را می‌چیند. گام دوم، انتخاب و انطباق و در افکندن کبرای قیاس است. یعنی درست جایی که قاعده عام حقوقی یا در واقع، حکم مناسب موضوع را بر می‌گزینند و در نهایت، با ادغام دو گزاره، در قالب نتیجه، داوری نهایی خود بیان می‌کند و بدین ترتیب، اعلام می‌کنند که حقیقت چیست و مقتضای حق در این موضوع معین کدام است (شاکر، ۱۳۹۷: ۳۳).

۲-۵ ادله اثبات در دادگاه ها

قانونگذار بر مبنای فقه امامیه، برای اثبات موضوع مورد بحث (حقوقی یا کیفری) در دادگاه که مبنای صدور رأی قرار می‌گیرد، شرایطی را تعیین کرده است. از آنجا که قضات تحقیق، خود نیز حقوقدان می‌باشند، با اشراف به این قوانین، در حین تحقیقات در جهت یافتن اسناد محکمه پسند، حرکت می‌کنند. واقع نظارت قضایی در مسیر تحقیقات، زمینه‌ساز صدور حکم و مستند در دادگاه‌ها می‌باشد. دعاوی حقوقی و جرایم کیفری معمولاً از حیث تحقیقات تفاوت‌های با یکدیگر دارند. با توجه به مطالبی که پیش‌تر در مورد تحقیقات، در هر دو مورد گفته شد، در اینجا ادله اثبات در دادگاه‌ها که در حین تحقیقات نیز مورد توجه بوده و در حین تحقیق نیز قابل توجه است. بحث گردید. با توجه به اهمیت مسئله علم قاضی در جریان صدور رأی، که با هدف پژوهش کنونی نیز تناسب فراوان دارد.

۲-۵-۱ ادله اثبات در دعاوی حقوقی

دعاوی حقوقی دعاوی هستند که در دادگاه عمومی مطرح می شوند و بیشتر مربوط به مسائل خسارت و جبران آن است. در واقع در دعاوی حقوقی، به جرایم و مجازات ها رسیدگی نمی شود. در قانون برای اثبات ادعایی که در دادگاه حقوقی مطرح می شود، پنج شیوه در نظر گرفته شده است: (سایت رأی مثبت).

۲-۵-۱-۱ اقرار

اقرار در پرونده های حقوقی به این معناست که شخص اقرار کننده موضوعی را که به ضرر خودش و به نفع دیگری است را بیان کند. در صورت اقرار شخص به زیان خودش، طرف مقابل دیگر نیازی به ارائه دلیل و مدرک ندارد (صالحي، ۱۳۹۷: ۴۴).

۲-۵-۱-۲ سند

مهمترین دلیل برای اثبات ادعا در دعاوی حقوقی است. سند در ادله اثبات دعوی، هر نوشته ای است که قابل استناد باشد و دادگاه آن را به عنوان دلیلی برای اثبات ادعا بپذیرد (همان).

۲-۵-۱-۳ شهادت

اگر به دو روش اقرار و ارائه سند، نتوان ادعا را ثابت کرد، می توان از شاهدان خواست تا شهادت بدهند. شهادت در امور حقوقی به این معنی است که از کسی که به صورت تصادفی یا غیر تصادفی، درباره موضوع دعوا چیزی شنیده یا دیده است، خواسته شود تا آنچه می داند را در دادگاه بیان کند (سلیمی، ۱۳۹۵: ۳۳).

۲-۵-۱-۴ بازدید محل و تحقیقات محلی

در صورتی که یکی از دو طرف دعوا، به اطلاعات اهل محل استناد کند، حتی اگر نامی از اهالی محل که اطلاعات مورد نظر را دارند نبرد، دادگاه دستور تحقیق محلی صادر می کند تا بازدید از محل و تحقیقات محلی صورت بگیرد (همان).

۲-۵-۱-۵ رجوع به کارشناس

در مواردی، هر دو طرف یا یکی از آنها می توانند از دادگاه بخواهند تا موضوع از طریق کارشناسی پیگیری شود. البته در مواردی که لازم باشد بدون درخواست طرفین، خود قاضی می تواند قرار ارجاع به کارشناس را صادر کند (همان).

۲-۵-۱-۶ قسم

قسم یا سوگند کم کاربردترین دلیل برای اثبات دعوی است و بیشتر به منظور پایان دادن به اختلاف از آن استفاده می شود. در واقع هر زمان که مدعی دلایل کافی برای اثبات ادعای خود نداشته باشد و طرف مقابل هم ادعای مدعی را رد کند، مدعی می تواند از طرف مقابل بخواهد که سوگند بخورد که حقیقت را می گوید (شاکر، ۱۳۹۷: ۴۴).

۲-۵-۲ ادله اثبات جرائم کیفری

در مورد مفهوم جرم کیفری، پیشتر توضیح داده شد. عموم پرونده های در دست بررسی نیروی انتظامی، کیفری می باشند. برخی از ادله اثبات جرم، با موارد تشریح شده در بخش دعاوی حقوقی مشترک بوده و لذا تفسیر کامل تر آن در این بخش عنوان گردیده است.

۲-۵-۲-۱ اقرار

اقرار در لغت به معنای ثابت کردن کسی را در کاری (دهخدا)، برپا داشتن (معین) و امری را پذیرفتن (عمید) آمده است. آدمی به ذائقه خود پرستی و خودخواهی میل دارد آنچه را به سود خود می داند جلب کند و هر چه را به زیان خود می داند دفع نماید. بنابراین هرکسی در برابر واقعیتی که به زیان اوست، با او انگیزه مواجه می شود. یکی راستگویی که یکی از غیر از طبیعی انسان است و براساس تعالیم دینی

و اخلاقی او را به سوی بیان واقع سوق می‌دهد و دیگری خود پرستی که او را به پنهان داشتن واقع وا می‌دارد. در چنین وضعی آرامش وجدان آدمی بهم می‌خورد. به همین جهت بسیار دیده شده که اشخاص پس از گذشت روزها و ماه‌ها و حتی سال‌ها مقاومت، سرانجام در برابر غریزه راستگویی تسلیم شده و با اقرار به جنایتی که مرتکب شده بود، خود را از شکنجه درونی رها نموده است. بزه‌کاران بسیاری بدون هیچ عامل خارجی با وجود علم به مجازات اعدام و یا حبس طولانی پس از مدتی درصدد اقرار بر آمده‌اند، اقرار دلیلی است محکم و جز در موارد استثنائی نمودار واقع امر است. بعلاوه هیچ کس بهتر از خود شخص به نهان افعال او آگاه نیست (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۶۰).

۲-۵-۲ اسناد

در دعاوی مدنی، سند کاربرد فراوان دارد. در پرونده های حقوقی، غالبا اثبات حق و یا دفاع در مقابل ادعا، با ابراز سند تحقق می‌یابد. سند عبارت است (هر نوشته ای که در مقام دعوی یا دفاع قابلیت استناد داشته باشد) از تعریف فوق برای سند محرز است، یکی نوشتن بودن سند و دیگری قابلیت استناد و سند نوشته انواع بسیار دارد. خط و علاماتی که چند نفر در روابط خود معمول کرده‌اند و بر صفحه ای قرار داده‌اند، نوشته است. خطوط رمزی که متضمن معنی و مفهومی باشد، عنوان نوشته و سند را دارد. اوراقی که متعاملین هنگام وقوع معامله تنظیم و امضا می‌کنند، با هر سبک و عبارتی و بر روی هر وسیله ای اعم از کاغذ، پارچه، چوب، سنگ، آجر، فلز، و غیره آن نوشته است تفاوت نمی‌کند. خطوط سند با ماشین تحریر باشد، یا بر صفحه فلزی حک گرد و یا بادیست روی کاغذ نوشته شده باشد. معمولی ترین نوشته آن است که روی کاغذ خطوطی قابل خواندن نوشته شود. معمولاً فرم و شکل و اندازه سند مطرح نیست. نوشته وقتی سند است که قابل استناد باشد. استفاده از سند سابقه طولانی دارد قبل از اسلام از سند استفاده می‌شده با حاکمیت اسلام هم سند مورد استفاده دارد و در قرآن هم آمده که وقتی قرض داده می‌شود نوشته ای تنظیم گردد (طباطبایی، ۱۴۰۴: ۲۰۵).

۲-۵-۳ شهادت

برای شهادت تعاریف متعدد شده از جمله (انتقال امری از ناحیه فردی که آن را دیده و شنیده به فرد دیگری که آن را ندیده و شنیده است). این تعریف بسیار کلی است، و اختصاص به شهادت نزد قاضی ندارد، این تعریف در واقع مترادف با اعلام خبر صدق است. تعریف دیگر گواهی عبارت است (از این که شخص به نفع یکی از اصحاب دعوی و بر ضرر دیگری اعلام اطلاع و خبر نماید) (ساریخانی و حیدری، ۱۳۹۲: ۹۰).

۲-۵-۴ امارات

امارات جمع اماره به معنی علامات است. ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی در مقام تعریف می‌گویند: "اماره اوضاع و احوالی است که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود" با این تعریف اماره امر معلومی است که وسیله آن امر مجهولی که مورد ادعا است ثابت می‌شود. اموری که بوسیله امارت ثابت می‌گردد، معتبر است و امارات کاشف از واقع هستند، اگر علم قاضی به علم تام و علم ناقص تقسیم شود، اماره را می‌توان موجد علم ناقص شناخت و این بسیار مهم است. استفاده از اصول عملیه، هیچ وقت علمی را به وجود نمی‌آورد، در مقام مقایسه امارات با اصول عقلیه، امارات از اعتبار زیادی برخوردارند، اصول عملیه و عقلیه کاشف از واقع نیستند، یعنی متکفل اثبات دعوی یا ارتکاب جرم نمی‌باشد و تا زمانی کاربرد دارند، که دلایل و قرائنی وجود نداشته باشد. متهم تا وقتی از اصل براءت برخوردار است که دلیل با قرینه و اماره ای علیه او بدست نیاید (نجفی، ۱۳۶۳: ۴۸). اماره بر دو نوع است اماره قانونی و اماره قضائی.

۲-۵-۵ قسامه

قسامه عبارتست از ادای سوگند ۵۰ نفر در قتل عمدی، و ۲۵ نفر در قتل شبه عمد و خطای محض از ساکنینی محلی که مجنی علیه یک قتل در آنجا یافت شده مبنی بر اینکه خود مرتکب، مرتکب جنایت نگردیده و اطلاعی هم از قاتل ندارند (گلدوزیان، ۱۳۸۲: ۹۰). فقها تعریف دیگری از قسامه ارائه داده‌اند به این مضمون که (قسامه عبارت از سوگندهای پنجگانه ای که اولیا و بستگان مقتول در موارد لوث برای اثبات ادعای خود علیه مظنون به قتل که ارتکاب قتل عمدی را انکار می‌کند در دادگاه ارائه می‌نمایند (ولیدی، ۱۳۹۷: ۱۰۱)).

تعریف دکتر حعفری لنگرودی از قسامه " ۵۰ قسامه است برای اثبات قتل عمد در قتل شبه عمد و خطائی ۲۵ سوگند است که مدعی (یا مدعی علیه در صورت امتناع از قسم و برای رفع تهمت) به تنهایی یا به شرکت ۴۹ نفر از خویشان مرد یا کمتر از ۴۹ نفر ادا خواهد شد" (لنگرودی، ۱۳۸۰: ۴۴). یا اینکه قسامه عبارتست از "جماعتی که برای گرفتن چیزی سوگند بخورند و آن را بگیرند سوگندی که بین اولیای دم اجرا شود هنگامی که کسی را قاتل معرفی کنند و شاهد هم نداشته باشند و نیز به معنی آشتی و متارکه جنگ استعمال شده است" (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۵۵).

۲-۶ علم قاضی، دلیل مشترک در امور کیفری و حقوقی

طبق قوانین جزایی ایران قضات در عمل به علم خویش با وجود شرایطی که اشاره شد، مجاز به عمل کردن و صدور حکم هستند و این امر در حقوق برخی دیگر کشورها از جمله در فرانسه، اروگوئه و ایتالیا به طرق دیگری قابل مشاهده است.

در بررسی آثار و مکتوبات فقها در خصوص اثبات قتل به وسیله علم قاضی مشخص می شود که امام معصوم (ع) می تواند به استناد علم شخصی خود به طور مطلق حکم کند. ولی نسبت به غیر معصوم اختلاف نظر است؛ بدین شرح که مشهور فقهای شیعه از جمله صاحب جواهر این عقیده را دارند که قاضی غیر معصوم نیز همانند امام معصوم (ع) در همه دعاوی و جرائم اعم از حق الله و حق الناس نظیر قتل و قصاص می تواند به استناد علم خویش قضاوت کند. اما برخی از فقها بر این عقیده هستند که قاضی مطلقاً نمی تواند مطابق علم خود دعوایی را ثابت کند (اصفهانی، ۱۳۷۷: ۵۲).

در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد، اگر علم، بین باقی بماند آن ادله برای قاضی معتبر نیست و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می کند. چنانچه برای قاضی علم حاصل نشود، ادله قانونی معتبر است و براساس آن ها رأی صادر می شود.

با عنایت به دلایل مطرح شده در خصوص اجازه اثبات دعاوی از جمله قتل به وسیله علم شخصی قاضی و از آنجا که قانون گذار جمهوری اسلامی طبق اصل چهارم قانون اساسی باید تمامی قوانین و مقررات مدنی، جزاء، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این ها را براساس موازین اسلامی تهیه کند، پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران با تصویب قانون حدود و قصاص و مقررات آن نیز قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۶۱ و قوانین متعاقب آن، تغییرات بنیادی در نظام جرائم و مجازات ها و رسیدگی به امور کیفری بر اساس موازین اسلامی و حقوق جزای ایران ایجاد و به موجب این تغییرات، علم قاضی در قوانین ایران پیش بینی شد. در حالی که قبل از انقلاب در قوانین مصوب ذکری از علم قاضی نبوده است (آشوری، ۱۳۸۷: ۴۳).

به طور کلی می توان نتیجه گرفت که در اکثر دستگاه های حقوقی، قضات از اختیارات وسیع برای کشف حقیقت امور مطرح شده برخوردار شده اند و این رویکرد ناشی از این اندیشه است که قضات تماشاگری منفعل نیستند بلکه وظیفه کشف حقیقت را دارند.

در ایران نیز طبق اصل چهارم قانون اساسی باید کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی و غیره براساس موازین اسلامی باشد و قانون گذار بر مبنای همین اصل علم قاضی را از جمله ادله اثبات عنوان کرده و این اختیار را به قاضی داده است تا در صورتی که به وقوع حادثه ای از جمله قتل از روی حس یا از طریق سایر مستندات در پرونده علم پیدا کند بتواند از علم خود در اثبات جرم بهره گیرد (بهرامی، ۱۳۸۷: ۴۷).

۲-۶-۱ شرایط تمسک قاضی به علم خود

در این خصوص نص صریح ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی اشعار می دارد:

"حاکم شرع می تواند در حق ... و حق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری می نماید و لازم است مستند علم خود را ذکر نماید..." و متعاقب آن ماده ۱۲۰ ق. م.ا در باب نقاط نیز تکمیل اذعان می دارد:

"حاکم شرع می تواند طبق علم خود که از طرق متعارف حاصل می شود حکم کند: پس مستفاد اینکه شرایط استناد قاضی به علم خود و طرق حصول علم برای قاضی صراحتاً در مواد فوق آمده است.

۲-۱-۱ لزوم متعارف بودن طریق تحصیل علم

برای دلیلیت دلیل در امور کیفری حصول شرایط زیر لازم است (یوسفیان، ۱۳۸۱: ۴۵).

الف: قانونی بودن خود دلیل ب: قانونی بودن مرجع تحصیل دلیل ج: قانونی بودن روش تحصیل دلیل.

در توضیح بند آخر به عنوان قاعده کلی دلیلیت دلیل و دلیلیت آن در حصول علم قاضی اذعان می دارد؛ علمی می تواند مستند رأی قاضی قرار گیرد که از طرق متعارف و معمولی و در یک ارزیابی نوعی بدست آمده باشد ضرورت حصول این شرایط از آنجا قابل توجیه است که رأی صادره باید بتواند در مراجع بالاتر مورد ارزیابی مجدد قضات مراحل بالاتر دادرسی قرار گیرد. پس اگر حصول علم قاضی به نحو متعارف نباشد، حکم صادره در محاکم عالی نقض می شود. آرای بیشمار از شعبات دیوان عالی کشور وجود دارد که چون طریق حصول علم متعارف نبوده رأی در دیوان عالی کشور نقض گردیده است. طرق متعارف در قانون احصا نشده اند ولی از باب تمثيل می توان به معاینه محل، بازسازی صحنه جرم توسط قاضی، امارات و نظریات کارشناسی اشاره کرد. به عبارت بهتر طرق حصول علم برای قاضی یا شخصی هستند. یعنی از طریق مشاهدات حسی و حضور سریع در

محل وقوع جرم پیدا می شود یا با مداخله عوامل دیگر حاصل می شود مثلاً کارشناسی که با ارائه نظریه تخصصی و کارشناسی خویش می تواند کمک بسزایی در حصول علم به قاضی بنماید. شورای عالی قضایی نیز طبق نظریه مورخ ۱۳۶۲/۰۳/۲۰ و شعبه ۱۶ دیوان نیز در دادنامه شماره ۷۴۹-۱۳۶۹/۰۸/۲۹ بر لزوم متعارف بودن طریق حصول علم برای قاضی تاکید کرده اند (بازگیر، ۱۳۷۸: ۳۴).

مطلب مهم دیگر در باب متعارف بدون طریق تحصیل علم برای قاضی رسیدگی کننده در صدور حکم اینکه علی رغم استدلال برخی قضات محترم، نظریه گواهی پزشکی قانونی نه می تواند موجب حصول علم به لواط ایقایی باشد و نه می تواند اثبات کند که آلت تناسلی داخل شده است، زیرا ممکن است آثاری که در مخاطب مقعد باقی مانده در اثر انگشت با شیه دیگر باشد و در تایید ادعا می توان به حکم شماره ۲-۶-۷۴/۹۸-۷۴ شعبه محترم ۲۷ دیوان عالی کشور که مشعر بر این معناست اشاره کرد. از طرف دیگر ضرورت متعارف بودن طریق تحصیل علم برای قاضی در راستای اجرای قاعده عام تری است که در اصل ۱۶۷ قانون اساسی، ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۴ قانون احیاء دادرسی آمده و همگی اتفاقاً مشعر بر این معنا هستند که آراء قضات محاکم بایستی مستدل و مستند به قانون یا شرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است. تخلف از این امر و انشاء رأی بدون استناد موجب محکومیت انتظامی خواهد بود و در این خصوص و لزوم مستند بودن حکم صادره به نظریه مشورتی شماره ۷/۷۲۳۹-۱۳۷۴/۰۳/۲۰ هم می توان استناد کرد. نکته قابل توجه دیگر اینکه مقنن با درک حساسیت و اهمیت مستند بودن حکم قضات و طرق متعارف تحصیل علم در لایحه جدید قانون مجازات اسلامی که هنوز به تصویب نهایی نرسیده است، در مبحث سوم تحقق عنوان "راه های اثبات حد" به موجب ماده ۲۱۳ بند اول، بیان می دارد که "راه های اثبات جرایم موجب حد، بینة، اقرار با قرائن و شواهدی است که موجب علم بین و حتی برای قاضی باشد" در تبصره ۴ نیز بیان می دارد که "چنانچه مستند حکم علم حسی قاضی باشد، موظف است در حکم خود فراین و شواهد موجب حصول علم را تصریح نماید". البته تفاوتی که بین تبصره ۴ ماده ۱-۲۱۳ لایحه جدید با ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی وجود دارد، این است که در ماده ۱۰۵ و ۱۰۲ مستند علم بایستی ذکر شود ولی در تبصره ۴ ماده ۱-۲۱۳ لایحه جدید، دایره شمولی علم قاضی محدود گشته و با جمله شرطیه چنانچه مستند علم، علم حسی قاضی باشد، قاضی موظف به تصریح آن در حکم خود شده است و به نظر می رسد مقنن با تعبیر دایره شمولی علم قاضی و انحصار آن به علم حسی قاضی، به ضرر متهمین می رسد گام برداشته و حکم را در ارزیابی در مراحل بالاتر با مشکل مواجه می کند. چرا که با لحاظ مفهوم مخالف تبصره ۴ اگر مستند حکم، علم حسی قاضی نباشد قاضی رسیدگی کننده ضرورتی بر تصریح ندارد (خرسندیان، ۱۳۹۷: ۲۴).

۲-۱-۲ ضرورت ذکر منشاء پیدایش علم برای قاضی

یعنی قاضی مستند علم خود را بیان کند (م ۱۰۵ ق. م. ا) این قرائن قصبه علم آور می تواند نظریه کارشناس، تسامح و استفاضه مفید علم اخبار عادل واحد، اقرار به کمتر از حد مقرر، اقرار نزد قاضی تحقیق و ... باشد. بیان و ذکر مستند علم قاضی یک اثر بسیار ارزنده دیگر هم دارد. از این نظر که برای قضات مراحل بالاتر امکان بررسی صحت و صلابت رأی صادره در مرحله قبل را فراهم می آورد. چون امکان

حضور قاضی در مراحل بالاتر رسیدگی نیست. بنابراین از لحاظ رویه عملی قاضی نمی تواند با اکتفاء به عباراتی نظیر "دفاعیات بلاوجه مهم" یا "استماع اظهارات طرفین" خود را فارغ از بیان نوع ادله استنادی طرفین نماید (حیدری، ۱۳۹۱: ۵۵).

البته برخی نیز با قول به تفصیل معتقد شده اند که مستند علم قاضی چنانچه قبل از مسند قضاوت پیدا شده باشد حجت ندارد. ولی اگر بعد از انتصاب قاضی به قضاوت بوده باشد، دللیت دارد اولین دلیل قائلین به جواز استاد قاضی به علم خود چه در حق الله و چه در حق الناس، روایتی است که در این خصوص وارد شده و به قاضی امکان استناد به علم خود را در جایی که راساً شاهد ققه‌ای بوده را می‌دهد. مضمون روایت این است: بر امام واجب است چنانچه ببیند مردی زنا می کند یا شراب می نوشد بروی حد را جاری کند و با وجود مشاهده وی، دلیل دیگری برای اثبات جرم لازم نیست، زیرا امام، امین خداوند بر خلق است و وقتی ببیند کسی سرقت می کند باید او را باز دارد و نهی کند در این رابطه به نیست اشاره کنیم. به نظر کسانی که تنها در صورتیکه مستند علم قاضی مشاهده بصری بوده باشد، علم را حجت می دانند. زیرا در این روایت و سایر روایاتی که دلیل بر حجت علم قاضی تلقی شده، کلمه "نظر" آمده است در زبان عرب، نظر به رویت دقیق با ضبط جزئیات اطلاق می‌گردد که علم‌آور است. بنابراین چنانچه مستند علم، درک حسی به غیر از گونه مشاهده بصری بوده باشد یا از طریق رویت سطحی و بدون دنت حاصل شده باشد در مقام تعارض باینه، تاب مقاومت ندارد و مقدم نیست، پس چنانچه قاضی راساً شاهد حضور متهم در زمان اتهام در محل دیگری باشد، برای وی یقین حاصل می شود که او نقشی در ارتکاب جرم نداشته است. در چنین موردی باید به علم خود عمل کند و به مدد این شهادت شهود دایر بر ارتکاب جرم واقعی است (دیانی، ۱۳۸۵: ۴۴). البته امام خمینی در دنباله مسأله، این اختیار را به قاضی داده است که چنانچه قاضی معیت نصب نشده باشد از قضاوت استنکاف و پرونده را به قاضی دیگری ارجاع دهد (خمینی، ۱۳۷۰: ۱۵۴).

۲-۶-۱ لزوم به معرض تعارض طرفین قراردادن مستند علم

یکی از خصوصیات سیستم دادرسی اسلامی، رعایت اصول تعارضی، تدافعی و ترافعی بودن آن است که ملاک مشروعیت احکام محاکم است. این اصول هم در دادرسی‌های مدنی و هم در دادرسی‌های کیفری واجد اهمیت فراوان است که در دادرسی مدنی اصولاً تحت عنوان اصل تناظر، اصحاب دعوی از آن یاد می شود و ضمانت اجرای آن هم در بند ۳ ماده ۳۷۰ آئین دادرسی مدنی آمده است. و اصول ۳۶ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۹ از قانون اساسی هم به آن اشاره دارد. قاضی باید اصل تعارضی بودن دادرسی را نه تنها در روابط خود با اصحاب دعوا رعایت کند، بلکه مراقب آن در روابط بین طرفین نیز باشد. بنابراین قاضی حتی به فرض حصول علم برای خود با نظریه اداره تشخیص هویت، گواهی پزشکی قانونی، بازسازی صحنه جرم، تحقیقات کارآگاهان پلیس کشف جرم نمی‌تواند بلافاصله پس از وصول نظریه کارشناس و قبل از شنیدن هرگونه اظهار نظر اصحاب دعوا، یا بلافاصله پس از وصول یک مدرک قاطع از یکی از طرفین دعوا، برای خود رأی صادر نماید. هر چند نظر کارشناس با آن مدرک قاطع برای وی علم ایجاد نموده باشد. چون آنچه در این بحث واجد اهمیت است لزوم به معرض تعارض قراردادن مستند علم برای اصحاب دعوی است که تا در صورت عدم اثبات خلاف آن به عنوان مستند حکم قرار گیرد (شامبیاتی، ۱۳۹۷: ۴۴).

۲-۶-۴ صدور حکم به واسطه علم قاضی

قانون مجازات اسلامی در مواد ۱۰۵ و ۱۲۰ خود، حجیت علم قاضی را با رعایت شرایطی آن مطلقاً در حق الناس و حق الله پذیرفته و بایستی به این اطلاق و عموم پایبند بود. هر چند در فقه شیعه و اهل تسنن نظریات متفاوت ارائه شده دارد؛ اما با وجود نص صریح قانون، امکان استناد به این نظریات نیست، اصل ۱۶۷ قانون اساسی هم تنها در صورت نقد مقررات مدون اجازه رجوع به منابع معتبر را داده است. بر خلاف استدلال پاره‌ای از فقها و حقوقدانان قضاوت براساس علم، از اختصاصات ائمه معصومین، قضات جامع شرایط و ولی فقیه نیست هر چند در استناد اینها به علم قاضی و اجرای حدود الهی هیچ شک و تردیدی نیست اما با توجه به واقعیات اجتماعی و نظر به اینکه در عصر غیبت بسر می بریم و تعداد قضات جامع شرایط حقیقتاً به تعداد انگشتان دست هم نمی رسد، قائل بودن به این نظریه یعنی تعطیلی حدود و اجرای احکام و مقررات در حالیکه هدف از تشکیل حکومت، اجرای حدود الهی است که در روایات وارده دارد. اجرای یک

حد از حدود الهی به مثابه باریدن ۴۰ شبانه روز باران بر طبیعت دانسته شده و از لحاظ شرعی نیز داریم "و التکم فی القصاص حياء یا اولی الالباب" (بقره/۱۷۴) یا "من أحيائها فكأنما أحييا الشام جمعیه" (مائده / ۳۲).

بر خلاف استدلال بیشتر فقها و حقوقدانان، استناد قاضی به علم خود در صورت حصول آن واجب است نه جایز. زیرا در غیر اینصورت قاضی در معرض فسق و فجور قرار خواهد گرفته و به قاعده عقلی امر به معروف و نهی از منکر عمل نکرده است.

منظور از علم قاضی در بحث حجیت علم قاضی، علم متعارف و نوعی است بنابر این نظر آن دسته از حقوقدانانی که بین علم حسی و حتی قایل به تفکیک نشده و به اصطلاح ترک استفعال کرده‌اند قابل قبول نیست.

مسأله بسیار مهم دیگر اینکه علم قاضی در حق الله و هم در حق الناس و هم در جرایمی که مقنن در خصوص علم قاضی سکوت اختیار کرده و هم در جرایمی که به احصاء ادله اثباتی پرداخته شده است، قابل استناد و عمل است.

۳- استناد به نتایج روش‌های نوین بازجویی در دادرسی‌های قضائی

در این بخش با بیان مثال‌های حقوقی، جنبه‌های اعتبار یک اماره مورد بحث قرار گرفته است. به هر حال روش‌های نوین بازجویی مبنای علمی داشته و در مرور زمان، اعتماد بدان‌ها دستخوش تغییر می‌شود. اما عدالت می‌بایست با دقت و حساسیت فراوان پیگیری شده و استنادهای مورد اعتماد در این مورد انجام شود.

۳-۱ بازجویی در چارچوب قانون

مسئولیت بازجویی، چنانکه بیان شد، بر عهده ضابطین متخصص دادگستری می‌باشد. اما این نکته را می‌بایست مدنظر قرار داد که هدف از بازجویی، کشف حقیقت است و اگر این حقیقت به واسطه زور و اجبار به دست آید هیچگونه اعتباری ندارد. اقرار داوطلبانه، اقراری است که اگر کسی بدون اجبار اقرار به امری کند، مدعی نمی‌تواند آن را تجزیه کرده و قسمتی را که به نفع او است، قبول و قسمتی که به ضرر اوست، رد کند. ولی اقرار در امور کیفری ایجاد شک و تردید می‌کند و به نفع متهم تفسیر می‌شود، در واقع بیانگر قاعده فقهی "الحدود تدرا بالشبهات" است (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۴: ۴۳). به موجب اصل ۳۸ قانون اساسی، هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار ممنوع است. این اصل به صورت منطقی و جهان‌شمول در تمامی نظام‌های حقوقی جهان مشاهده شده است. طبیعتاً در حالت اجبار، ممکن است شخص اقرار به دروغ روی آورد تا از خود محافظت نماید. طبیعتاً و منطقاً چنین اقراری قابل قبول نیست. در تفسیر قانون اساسی توسط شورای محترم نگهبان، آمده است که علاوه بر مسائل شکنجه، هرگونه اجبار و فشار غیر منطقی با هدف اخذ اقرار، مستوجب لغو اعتبار آن است (بزرگمهر، ۱۳۸۹: ۴۴). لذا این اختیار، مطرح است که تنها براساس روش‌های نوین بازجویی که مبتنی بر غیراجباری بودن می‌باشد، بتوان از متهم اقرار اخذ کرد. از سوی دیگر قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱ به تفصیل در این باره سخن گفته و ضمانت‌هایی را برای عدم اخذ اقرار به وسیله شکنجه، تعیین نموده است. به موجب مفاد این قانون، هرگونه تنبیه و آسیب بدنی و اشخاص ممنوع بوده و اقرار حاصل از آن کاملاً بدون اعتبار است. از سوی دیگر ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضمانت‌های دیگری را برای ممانعت از اقرار اجباری وضع کرده است که به موجب آن، ضابطین دادگستری در صورت شکنجه‌های متهم با هدف قرار به حبس و جزای نقدی و حتی دیه محکوم می‌گردند. با توجه به ضمانت‌هایی که در قوانین مطروحه موجود است، مسئولین تحقیق قضایی، تنها این اختیار را دارند که در صورت وجود قرائن و امارات دال بر اتهام یک فرد با هدف تامین، متهم را به طور موقت بازداشت نمایند و تا زمان حصول براءت از وی، مانع از فرار وی شوند. به موجب مواد ۲۲، ۳۲ و ۳۳ آیین دادرسی کیفری، قاضی تحقیق حق دارد که در صورت وجود قرائن و امارات دال بر اتهام، بازداشت موقت را تا زمان حصول نتیجه تمدید نماید. روش‌های نوین بازجویی که به گونه‌ای قرائن و امارات اتهام می‌باشد تا زمان تعیین تکلیف موضوع، اختیار بازداشت را به قاضی تحقیق می‌دهد و این ضمانتی است برای مسئولین تحقیق قضایی که با استفاده از روش‌های نوین، به کشف حقیقت مبادرت ورزند، تنها می‌بایست مسئله اجبار و فشار غیرمنطقی جهت اخذ اقرار را خط قرمز فعالیت خود قرار داده تا بتوان به نتایج حاصله، منطقاً اعتماد کرد.

۳-۱-۱ جایگاه اقرار

چنانچه در بخش دوم بیان شد، ادله اثبات دعوا شامل اقرار، اسناد، امارات، قسم، علم قاضی و چند مورد جزئی دیگر می‌باشد. باتوجه به رویه عرفی موجود در دادگاه‌ها می‌توان اقرار را بالاترین سند در اثبات جرم دانست است. البته اقرار می‌بایست بر منطق استوار باشد و لیکن اقرار دروغ نیز باید شناسایی گردد. اما اگر اقرار صریحا به زیان فرد اقرار کننده باشد و دیگر قرائن و امارات دلیل منطقی بر رد آن ارائه نکنند. اقرار پذیرفته شدنی است و بر سایر ادله ارجحیت دارد. در صورت عدم وجود اقرار صریح، دیگر ادله می‌تواند مورد استناد قرار گیرد.

بی‌گمان اهمیت اقرار در امور کیفری و مدنی به حدی است که آن را ملکه دلایل دانسته‌اند. ولی اقرار و دلایل دیگر بایستی به صورتی باشد که اقناع وجدان قاضی را ایجاد کند. ضرورت اقتناع وجدانی خود اثری از آثار اصل برائت است. اقناع وجدان قاضی در نتیجه‌ی کسب اقرار و دیگر ادله بایستی که از حدود قانون و مقررات تخطی نکند. زیرا اصولا اقراری که از راه شکنجه و عنف به دست می‌آید، فاقد ارزش و اعتبار بوده و دارای ارزش قضایی نیست که اصل سی و هشتم قانون اساسی نیز موید این مطلب است. به نظر می‌رسد روش‌های فنی کسب اقرار می‌تواند مؤثر واقع شوند. بعنوان مثال دستگاه دروغ سنج که در بعضی از کشورها و بخصوص در فرانسه مورد استفاده واقع می‌شود. در این روش نقش دستگاه دروغ سنج ده درصد و کارشناس فنی که با دستگاه دروغ‌سنج کار می‌کند نود درصد است که با افزایش مهارت شخص کار کننده با دستگاه مزبور می‌توان به نتایج مطلوبی دست یافت. علم قاضی و اقناع وجدان قاضی نقش بسیار مهمی در کسب اقرار و دیگر ادله و در نهایت صدور حکم دارد. یک قاضی خوب و دارای مهارت دادرسی بایستی بیش از هر چیز دیگر یک روان‌شناس مجرب باشد و به نظر می‌رسد قوه قضاییه بایستی در این زمینه تمهیداتی ببیند که قضات دوره‌های آموزشی روانشناسی را بگذارند تا بتوانند در مواجه شدن با متهمان و کسبه اقرار از آنان به صورت علمی‌تر برخورد کرده و دیگر شاهد صدور احکام متکی بر کشفیات ذهنی و حدسی نباشیم.

در بررسی روی حقوق کامل، علم قاضی بالاترین درجه اعتبار را در بین ادله اثبات دارد. این مورد در مثال‌های حقوقی متعدد مشاهده شده است. اما همان‌طور که بیان شد، در رویه حقوقی کشور ما، اقرار در صورتی که منطبق بر منطق باشد، می‌تواند به عنوان بالاترین دلیل اثبات جرم قرار گیرد. در مواردی حتی خود اقرار کننده به دروغ بودن آن واقف نیست. لذا می‌بایست بر پایه منطق حاکم بر یک ماجرا، حقیقت‌های پوشیده را کشف نمود. روش‌های نوین کشف حقیقت که در اختیار پلیس آگاهی قرار دارد با همین هدف است. در اینجا نکات حقوقی اخذ اقرار بیان شده است.

۳-۱-۲ دیگر روش‌های علمی اخذ اقرار

همان‌طور که بیان شد، محدودیت اخذ اقرار، عدم اجباری بودن آن است. لذا هر روش دیگر که بتواند بر پایه چنین اصلی، به اقرار بیانجامد، اعتبار حقوقی دارد. در ادامه به چند روش جدید علمی اخذ اقرار که در مراجع حقوقی معتبر می‌باشد، اشاره شده است.

۳-۱-۲-۱-۱ تحصیل اقرار از طریق تست تصویری یا پروژکتور

در تست معروف به روشاخ با وادار کردن شخص به مشاهده یک سری ده‌گانه از لکه‌های جوهر و اعلام درک و استنباط خود از آنها و در تست معروف T.T.A با نشان دادن یک سری عکس به بازجویی شونده و درخواست بیان تصورات خود از این عکس‌ها از طریق ساختن داستان برای هر عکس در تست آسزوندی با نشان دادن چند عکس و درخواست بیان نظر خود یا معرفی دو نمونه جالب و غیر جالب از میان آنها و همچنین در تست میرا برای شناخت انحرافات غیرارادی شخص، از جمله روش‌های تشخیص دروغ از راست می‌باشد (بریان^۱، ۲۰۱۹: ۶۰).

¹ Bryan

یکی دیگر از روش‌های صحت و سقم اظهارات متهم، طریق تداعی معانی یا تسلسل افکار است که یونگ مبتکر آن بود و با روش‌های دیگر تکمیل شده است. روش کار در این شیوه بدین صورت است که تعدادی از کلمات که با عمل مجرمانه ارتباط دارد، انتخاب و در لیستی با کلمات معمولی مخلوط می‌شود، کلمات انتخابی را برای متهم می‌خوانند و از او می‌خواهند که برای هر کلمه مترادف آن را بیان کند و آنگاه جواب داده شده را یادداشت می‌کنند. قسمت حساس و قابل توجه این روش آن است که متهم در مقابل بعضی کلماتی که با جرم ارتباط دارد، مکث می‌کند. این آزمایش چند بار تکرار می‌شود تا نتیجه مطلوبی حاصل شود (همان).

پلی گراف دستگاهی است که به دروغ سنج شهرت یافته و کامل‌ترین ماشینی است که تاکنون برای کشف دروغ ساخته شده است. عملکرد این ماشین عبارت است از ثبت یا به زبان بهتر ترسیم فنوم‌های روانی و فیزیولوژیکی بدن انسان به هنگام دروغ گفتن به صورت نمودار؛ یا به عبارت دیگر عکس‌العمل‌های فشار خون و همچنین تغییرات مقاومت الکتریکی پوست را که در اثر فشار ناشی از دروغ ظاهر می‌شود، ثبت می‌نماید (جانسون^۱، ۲۰۱۹: ۸۰).

در ایالات متحده آمریکا گزارش این روش کاملاً در دادگاه‌ها معتبر است و نمونه‌های زیادی از صدور احکام سنگین به واسطه این گزارش‌ها مشاهده گردیده است. اما در کشور ما هنوز اعتماد کامل بدان نبوده و به تنهایی نمی‌تواند دلیل اثبات یک موضوع قرار گیرد؛ مگر به کمک چند اماره دیگر که تقویت‌کننده یک فرضیه باشد.

این روش، روش روانی - درمانی با روانشناسی است. با تحقیقات جنایی خاص است که به موجب آن تحت تاثیر داروهای شیمیایی معین و ایجاد حالت شبه بی‌هوشی می‌توان از شخص مورد آزمایش یا تحقیق حرف‌های صحیح بدست آورد. روش مزبور به استفاده از سرم حقیقت نیز معروف است، زیرا با خوراندن یا تزریق ادویه مختلف می‌توان از دروغ‌گویی متهمین جلوگیری کرد (همان). این روش تاکنون در کشور ما مشاهده نشده و گزارشی از صدور رأی بر مبنای آن نیست. لذا نمی‌توان در این باره اظهار نظر دقیقی کرد. نکته دیگر این‌که بعدها متهم می‌تواند به اجباری بودن اقرار به وسیله این روش استناد کند و موجب بی‌اعتباری اقرار شود. اما نمونه‌های استناد به این روش در صدور حکم، در کامران، لای انگلستان، مشاهده شده است.

همان طور که بیان شد، هدف اصلی از بازجویی کشف حقیقت است. لذا اثر اصلی بکارگیری روش های بازجویی در کشف حقیقت است. مطابق آئین دادرسی مدنی و کیفری، ادله اثبات جرم شامل اقرار، سند، شهادت، قسامه و علم قاضی می باشد. بالاترین ادله در رویه قضائی ایران، اقرار منطبق بر قرائن است و پائین ترین دلیل، علم قاضی بدون استناد می باشد که قانون بدان اشاره کرده است. لذا در دو بخش مستقیم و غیرمستقیم به بحث در این باره پرداخته شده است.

اثر مستقیم روش‌های بازجویی، علم قاضی به استناد گزارش‌های مرتبط بدان است. پیش‌تر در مورد علم قاضی مبحثاً صحبت شد. قانون، استناد قاضی به علم خود، که مبتنی بر قرائن باشد را به رسمیت شناخته است. این استناد می‌بایست مبتنی بر امارات بوده و اگر دلیل قاضی برای استفاده از علم خود منطقی به نظر نیاید، می‌تواند موجبات لغو حکم صادره توسط مراجع مافوق را فراهم دارد. مطابق مثال، که در ادامه (بخش) اشاره به کامن (لا) بیان شده است، در نظام حقوقی آمریکا که مبتنی بر کامن‌لاست، چنین گزارش -

¹ Johnson

هایی بالاترین درجه اعتبار در صدور احکام را دارد که مورد انتقاد برخی دیگر از حقوقدانان نیز قرار گرفته است. این کشور را می‌توان پیشگام در استناد به چنین گزارش‌هایی دانست که البته بحث در مورد آن خارج از پژوهش کنونی است. اما در نظام حقوقی کشور ما استناد به چنین مواردی در پایین‌ترین درجه اعتبار قرار دارد. چنان که بیان شد، اقرار می‌بایست در جلسه محاکمه و در حضور قاضی صادرکننده رأی بیان شود. در این صورت می‌توان به استناد اقرار، رأی صادر نمود. اما اگر متهم با وجود اقرارهای پیشین، در جلسه دادگاه منکر واقعیات شد، دیگر نمی‌توان آن را اقرار نامید. لیکن اقرارهای پیشین به عنوان امارت و نشانه مورد استناد قاضی قرار می‌گیرد. در اینجا گزارش‌های بازجویی که اقرارهای پیشین ظهر آن است، به قاضی کمک کرده که در مورد مسئله‌ای حکم صادر کند. از این مطلب چنین بیان می‌شود که اقرار با وجود مراحل پیچیده قانونی، تنها با وجود استماع در جلسه محاکمه، اعتبار کامل اقرار را دارد. در مورد امارات نیز پیشتر مطالبی بیان شد. هر وسیله‌ای که بتواند به یک موضوعی علم دهد، امارت نامیده می‌شود. قاضی به استناد امارت می‌تواند حکم صادر کند. اینکه حکم قاضی براساس علم خود تا چه حد منطقی است، بسته به حقوق عرفی دارد.

در اینجا به دو مثال حقوقی توجه شود. در یک مثال، آقای الف با آقای دال معامله فروش ملک را انجام داد. اما به سبب خیار تقلیس، معامله فسخ گردید. معامله شفاها فسخ شد و بر روی کاغذ، فسخ آن گزارش نشد. پس از مدتی آقای الف مجدداً ملک خود را به شخصی دیگر می‌فروشد. آقای دال به سوءاستفاده پرداخته و مدعی است که ملک من به فروش رفته است و در واقع استناد به فروش مال غیر نمود. بازپرس و دادیار پرونده به تحقیق در این باره پرداختند و روش‌های نوین بازجویی نیز مستند گردید. نکته قابل توجه اینکه در هنگام صحبت در مورد فسخ معامله، خانمی از مشتریان شرکت آقای دال در آنجا حضور داشت که بعدها برای شهادت فراخوانده شد و بیان نمود که به گوش خود شنیدم که معامله فسخ شده است. گزارشات دادیار و بازپرس نیز چنین بیان داشت که معامله شفاها فسخ شده ولی کتباً گزارش نگردیده است. چنین است که آقای دال نیز احتمالاً چند بار به قصد اخاذی به آقای الف تلفن زده که در صورت پرداخت مبلغی مشخص حاضر به رضایت و آزادی اوست. البته اسناد موثقی در این باره موجود نبوده که البته سوابق شرارت آقای دال نیز در پرونده موجود بوده و علم قاضی را تحت تاثیر قرار داد. در اینجا قاضی با اتکا به علم خود، و استناد به امارات، بیان شده، به خصوص گزارشات دادیار که به بازجویی از هر دو طرف دعوا پرداخته بود، و همچنین با حضور یک شاهد زن، حکم برائت آقای الف را صادر کرد، اما به محکومیت آقای دال رأی نداد. طبیعتاً حضور یک شاهد زن برای چنین اثباتی کافی نبود. اما با توجه به گزارشات بازجویی دادیار، نسبت به صدور براد اقدام شد. چرا که روانشناسی این مقام قضائی، صدق گفتار آقای دال را مورد تردید قرار داد. بدین صورت گزارش بازجویی به صورت تقریباً مستقیم مورد استناد جهت صدور رأی قرار گرفت.

در جریان یک مثال دیگر، آقای الف که به آتش‌سوزی منزل فردی متهم بود و دیگر قرائن به خصوص تهدید پیشین وی به آتش‌سوزی دلیلی بر اتهام وی ارزیابی می‌شد، ابتدا توسط دادگاه بدوی به ۵ سال زندان و پرداخت جریمه محکوم شد. سپس همسر دوم وی که ازدواج آنها کاملاً مخفیانه بوده است و همچنین پیشتر نیز خانواده وی بیان داشته بودند که در روز وقوع حادثه، وی در شهرستان بود، اما به دلیل فامیلی نزدیک (اقارب) شهادت آنها برای دادگاه پذیرفته شده نبود. سرانجام همسر دوم وی در دادگاه حضور یافت و بیان داشت که در روز حادثه، ایشان در شهرستان نزد وی بوده است و لیکن به دلیل اختفای ماجرا حاضر نشد که از وی طلب شهادت کند. پرونده جهت اعاده فرستاده شد و سپس حکم به برائت ایشان صادر گردید. قاضی استناد را علم خود و دیگر امارات دانست. در اینجا نیز این نکته قابل توجه است که شهادت یک زن، به خصوص همسر متهم، برای اعاده دادرسی و صدور حکم برائت کافی نبود. لیکن به عنوان امارت لحاظ شد. از سوی دیگر گزارشات پلیس آگاهی و بازپرس پرونده، صدق گفتار این مرد را به اثبات می‌رساند. لذا به استناد گزارشات بازجو و بازپرس و همچنین شهادت این زن، دادرسی اعاده شد.

از این مثال‌ها چنین برداشت شده که ادله‌ای که قاضی می‌تواند از آن به عنوان علم خود استفاده کند، می‌بایست به نسبت منطقی باشد که البته اگر دلایل چندان محکم نباشد، زمینه صدور حکم تجدیدنظر خواهی را فراهم می‌نماید. لذا هر اندازه که علم قاضی نسبت به استنادها محکم‌تر باشد، اعتبار حقوقی و حکم صادره نیز افزایش می‌یابد. هرچند که ادله علم قاضی پایین‌ترین درجه استناد

است، اما مواردی که در استناد علم قاضی به عنوان امارت مطرح است، می‌تواند به تقویت نسبی آن بیانجامد. فلذا روش‌های نوین بازجویی هر اندازه که مستندتر به عوامل علمی باشد و در غیاب دیگر ادله اثبات جرم که درمورد آنها بحث شد، می‌تواند برای صدور حکم مورد استناد قرار گیرد.

۳-۲-۲ غیر مستقیم

همان‌طور که بیان شد، علم قاضی به استناد گزارش‌های واصله از روش‌های نوین بازجویی، اثر مستقیم است و در صورتی که روش‌های بازجویی، به دیگر ادله همچون شهادت و اقرار که بالاترین نوع دلیل اثبات است بیانجامد. حتی اگر اقرار در دادگاه توسط متهم انکار شود، بازهم اظهار پیشین وی به عنوان امارتی قوی برای علم قاضی محسوب می‌شود. اینکه روش‌های بازجویی بتواند به اقرار صریح متهم ختم شود، بسته به مهارت بازجو و استفاده از روش بکار گرفته شده مرتبط است.

۳-۲-۳ ترتیب اهمیت ادله کشف شده

با توجه به آنچه که بیان شد و همچنین مثال‌های حقوقی که استنادهایی در احکام مشاهده شده است، می‌توان در جمع بندی ادله اثبات در دادگاه‌ها، ترتیب ذیل را برای اعتبار ادله بیان داشت.

- ۱- اقرار واقعی منطبق بر منطق مسئله.
- ۲- شهادت واقعی منطبق بر منطق مسئله.
- ۳- اسناد و گزارش‌هایی که صحت آنها به اثبات رسیده است.
- ۴- علم قاضی به استناد امارات (بسته به قوت امارات، رأی صادره از اعتبار متفاوتی برخوردار می‌باشد).

قاضی در صدور رأی خود مستقل است و این مورد در آیین دادرسی‌های مدنی و کیفری بیان گردیده است. دخالت قاضی دیگر در امر صدور پرونده، از نظر قانونی منتفی شده است. این مسئله می‌تواند به ضمانت حقوقی قوی‌تری در علم قاضی منجر شود. به هر حال چنین به نظر رسیده که اعتبار حکم صادره به استناد علم قاضی می‌تواند براساس حقوق عرفی و مثال‌های حقوقی معتبر گردد. در جریان یک پرونده جنائی در تهران، مردی که خود اقرار نموده بود همسرش را به قتل رسانده و وی را در جایی نامعلوم دفن نموده است، ابتدا به پزشکی قانونی معرفی شد و سلامت عقلی برای گزارش گردید. بازجویی به روش‌های نوین و مبتنی بر علم روانشناسی چنین برداشت شد که سخنان وی کاملاً متناقض بوده و نمی‌تواند دلیلی بر چنین کاری باشد. به خصوص آنکه همسر وی فوت شده و بنا به تحقیقات محلی محل دفن وی مشخص است. دادگاه حکم برائت برای وی صادر کرده، اما دو روز پس از آزادی، ضمن شکافتن دیوار منزل، جسد سوخته همسرش را به پلیس نشان داد. پرونده اعاده دادرسی شد و اینبار با توجه به اقرار صحیح و منطبق بر واقعیت، قرار محکومیت صادر شد. نکته قابل توجه در این مثال حقوقی آن است که گزارش بازجویی حتی با وجود اقرار صریح که البته بر واقعیت منطبق نبود، در نهایت مورد استناد علم قاضی قرار گرفت و تنها زمانی که اقرار، با واقعیت تناسب داشت، دلیل بالاتری قرار گرفته و موجب محکومیت گردید.

در یک مثال حقوقی دیگر، فردی که به جرم قتل عمد در حال محاکمه بود، به درخواست وکیل، و همچنین گزارش پزشکی قانونی که بیماری دو قطبی وی را تأیید کرده بود، در لایحه‌ای به ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی که بیان کرده بود، جنون در هر مرحله از جنایت، موجب رفع مسئولیت کیفری است، استناد نمود. قاضی پس از ارجاع مجدد پرونده به دایره تحقیقات به موجب ماده ۲۰۵ آیین دادرسی مدنی، نتیجه تحقیقات (برپایه روش‌های روانشناسی) بیماری دو قطبی وی را تأیید کرد. لذا استناد به ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی صورت گرفت و مسئولیت کیفری رفع شد.

اما در جریان پرونده‌ای دیگر که متهم به قتل محکوم گردیده بود، وکیل به استناد ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی در مورد رفع مسئولیت در زمان مستی و گزارش پزشکی قانونی در مورد مستی متهم، لایحه‌ای ایراد داشت. نتیجه بازجویی مستی فرد در زمان وقوع جنایت را نشان داد که قاضی با رد این موضوع، وی را مسئول قتل و مجرم شناخت.

در بررسی این چند مثال حقوقی، چنین بیان شده که بالاترین دلیل برای اثبات در دادگاه، اقرار برپایه قرائن صحیح است. این مسئله در آیین دادرسی کیفری به آن اشاره شده و ضمانت استناد بدان در ماده ۱۹۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری بیان شده که "هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرمی نماید و اقرار او صریح و موجب هیچ گونه شک و شبهه‌ای نباشد و قرائن و امارات نیز موید این معنی باشند، دادگاه مبادرت به صدور رأی می نماید و در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در اقرار یا تعارض با ادله دیگر، دادگاه شروع به تحقیق از شهود و مطلعین و متهم کرده و به ادله دیگر نیز رسیدگی می کند".

با توجه به این ضمانت، چنین مشخص است که اقرار با وجود دیگر قرائن، که صحت آن را اثبات می نماید، بالاترین درجه استناد در اثبات یک مسئله در دادگاه هاست. اما اگر چنین موردی مقدور نبود، ماده ۱۹۷ همین قانون ضمانت دیگری را پیش کشیده است. به موجب این ماده، دادگاه پرسش‌هایی را که برای رفع اختلاف و ابهام و روشن شدن موضوع لازم است، از طرفین و شهود و مطلعین خواهد نمود. در صورتی که متهم جواب پرسش‌ها را ندهد، دادگاه بدون این که متهم را مجبور به پاسخ دهی کند، رسیدگی را ادامه می دهد.

لذا قاضی مجاز است که در صورتی که دلیل اول ثابت نشد، به دیگر ادله روی آورد. بدین صورت اولویت استناد به ادله مطابق با حقوق نوشته و همچنین حقوق عرفی که پیشتر مثال‌هایی از آن بیان شد، مطرح گردید. اما اینکه اگر نتایج بازجویی، اقرار متهم را مطابق با واقعیات نداند، این خود می تواند دلیلی بر رد این سند باشد. با هدف حفظ شهادت سالم نیز ماده ۲۰۱ آیین دادرسی مدنی و همچنین مواد ۶۴۹ و ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی، ضمانت‌هایی را برای شهادت صحیح ذکر کرده اند که می تواند در اثبات یک مسئله در سیستم قضایی به کار گرفته شود. در بند پنج ماده ۲۷۲ آیین دادرسی ضمانت دیگری برای استناد به روش‌های نوین بازجویی بیان شده است که به موجب آن حتی پس از صدور رأی به تشخیص مسئولین قضایی می توان دادرسی را اعاده نمود. لذا اولویت ادله اثبات شده به صورتی که پیشتر بیان شد، می باشد.

۳-۳ آثار روش‌های نوین بازجویی در مرحله تحقیق

به موجب مفاد آیین نامه دادرسی مدنی و کیفری، این اختیار به قاضی تحقیق داده شده که در صورت وجود قرائن مبنی بر اتهام یک فرد و احتمال فرار وی تأمینات لازم را برقرار کند. حتی مجوزهای ورود به منزل و دیگر موارد مرتبط با تحقیق قضایی، بنا به تشخیص و اختیار قاضی تحقیق صورت می گیرد. جزئیات خاص در این باره مشخص نشده و همین مبنا، اختیار حقوقی و ضمانت اجرای تأمین را معین می سازد. مدت زمان لازم برای حبس افراد مظنون، به درستی مشخص نشده، اما هراندازه که ظن بدان‌ها بیشتر باشد، اختیارات قاضی تحقیق برای تمدید مدت حبس بیشتر است. بنابراین روش‌های نوین بازجویی این اختیارات را به قاضی تحقیق داده که بتواند قرار تأمین را برای متهمین صادر کند. باتوجه به کلیاتی که در آیین دادرسی مدنی و کیفری در مورد آن صحبت شده، این مورد را می توان مستند به حقوق عرفی دانست. اینکه نتیجه یک بازجویی تا چه حد می تواند ظن به متهم را افزایش دهد، به اختیارات قاضی سپرده شده و می تواند براساس آن تصمیم بگیرد که البته مثال‌های حقوقی در این باره جایگاهی ویژه دارد.

آقای میم از تهران، با خانم ت نامزد نموده و پدر و مادر آقای میم رضایت به این وصلت نداشتند. هنگامی که این دو نامزد برای یک مسافرت به بیرون از شهر رفتند، با یکدیگر مجادله داشته و خانم ت به تهران بازگشت. آقای میم تا مدتی مخفی بود. با شکایت پدر و مادر آقای میم به ظن حضور خانم ت که با او مسافرت رفته بود، به عنوان مظنون به بازداشتگاه منتقل شد. پس از بازگشت آقای میم، به درخواست پدر و مادرش، به طور کامل مخفی شد تا بازداشت خانم ت به درازا بکشد. در جریان تحقیق، که با استفاده از روش

روانشناسی بازجویی صورت گرفت، به تشخیص پلیس آگاهی، این دختر در ناپدید شدن همسرش نقشی ندارد. قاضی تحقیق با توجه به این استدلال، حکم آزادی وی را با شرط قول شرف به عدم خروج از شهر تهران صادر نمود. پس از چند روز آقای میم به منزل بازگشت. افراد محلی به اطلاع پلیس رسانده که وی پیدا شده است. به دستور قاضی تحقیق، وی بازداشت شد و از او بازجویی گردید. در ابتدا سعی کرد که حقیقت را کتمان کند، اما در روانشناسی بازجویی سرانجام اقرار نمود که به درخواست پدر و مادرش این عمل را مرتکب شده است. بنا به دستور قاضی تحقیق، پدر و مادر وی بازداشت شدند و خود آقای میم آزاد شد. از این مثال حقوقی چنین برداشت می‌شود که در هر دو مورد اتهام آقای میم و خانم ت تنها گزارش کارشناس بازجویی در مورد صحت گفتار برای قاضی تحقیق کافی بود. خوانم ت که صحت گفتارش مشخص بود، به حکم قاضی و تنها با قول شرف نسبت به عدم خروج از تهران آزاد شد. آقای میم نیز پس از بیان اظهارات آزاد شد و لیکن پدر و مادر وی به بازداشتگاه منتقل شدند، اختیارات قاضی تحقیق در رابطه با گزارشات واصله قابل تامل است. اقرار مبتنی بر قرائن آقای میم نیز که موجب بازداشت والدینش شد، قابل توجه می‌باشد.

در جریان یک مثال حقوقی دیگر، آقای سلیمی که دارای دو فرزند پسر و دختر بود، پس از آن که دخترش طلاق گرفت و خود مسئول آن ازدواج ناموفق بود، خود را مقصر دانست و اقدام به خودکشی کرد. اما پسر وی با هدف نسبت دادن قتل به داماد خانواده، طناب اعدام را پاره نموده و صحنه خودکشی را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کرد که قتل صورت گرفته است. جالب اینکه گزارش پزشکی قانونی نیز خفگی را عامل مرگ اعلام کرد و بنا به ادله‌ای که این مرد با داماد خود اختلاف داشته است، سریعاً داماد بازداشت شد. مامور باهوش آگاهی به قضیه مشکوک شد. وی با پسر خانواده مصاحبه نمود و وی را برای بازجویی دعوت کرد. در روانشناسی تحقیق وی به اصل ماجرا پی برد و در گزارشات خود به فرماندهی پلیس آگاهی تهران بزرگ، مورد را گزارش نمود. بر پایه این گزارش به منزل مراجعه شد و از روی نرده چوبی خانه، اثر طناب دار یافت شد. پسر هیچ گاه به جرم خود اعتراف نکرد، اما به دستور قاضی پرونده، داماد خانواده آزاد شد و با جمع آوری قرائنی مبنی بر اثر انگشت پسر بر روی نرده چوبی که اثر طناب دار بر روی آن بود، پرونده مختومه برای صدور رأی به دادگاه ارجاع شد.

در جریان یک قتل دیگر در تهران، آقای صالحی توسط همسر خود کشته شد. برادر کوچکتر که شاگرد مغازه‌اش بود، پس از قتل به منزل وارد شد، اما به جای آن که به پلیس اطلاع دهد، بر سر گاو صندوق رفته و مقداری پول دزدید. با توجه به سابقه اعتیاد این مرد، مضمون اصلی شناخته شد و سریعاً به بازداشتگاه منتقل شد. نتایج بازجویی تحقیق، بدون آنکه وی به هیچ مسئله اعتراف نماید، وی را مظنون اصلی نامید. پس از گذشت یک ماه از بازداشت، متهم به دزدی پول از منزل و عدم اطلاع پلیس اقرار نمود، اما مسئولیت قتل را عهده دار نشد. اقرار ناقص در اینجا مورد توجه است. چرا که در محدوده جرم مرتکب شده، محکومیت برای وی صادر می‌شود. قرائن نیز این اظهار ناقص را پذیرفته بودند. کارشناسان آگاهی همواره بر اتهام این فرد تاکید کردند و قاضی تحقیق نیز حکم بازداشت ایشان را تمدید نمود. سرانجام پس از گذشت چهارماه، به تحقیق افسر دیگر پرونده، همسر وی برای یک مسافرت خارج از کشور به دبی رفته بود، اما بلافاصله با پرواز بعدی به ایران بازگشت و این مسئله ظن اصلی قرار گرفت و پس از انتقال این زن به بازداشتگاه سریعاً به مسئله اعتراف کرد.

از این مثال و مثال قبلی چنین برداشت می‌شود که بر مبنای روش‌های نوین بازجویی بر مبنای علمی، قاضی تحقیق می‌تواند قرار اخذ تامین را مشخص کند و ضمانت‌های آن صریحاً در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری بیان شده است. همچنین جزئیاتی در مورد چگونگی اثبات ادله جهت ظن موجود نبوده و لذا بنا به حقوق عرفی و تنها به تشخیص قاضی تحقیق، می‌توان قرار تامین برای متهم را صادر کرد که روش‌های نوین بازجویی می‌تواند ادله این امر قرار گیرد.

۳-۴ آثار روش های نوین بازجویی در مرحله صدور رأی

مطابق ماده ۲۰۵ آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و همچنین ماده دیگر در قانون آیین دادرسی مدنی، در صورتی که قاضی دادگاه، جریان تحقیقات پرونده را ناقص بداند، می تواند مجدداً آن را به تحقیقات بازگشت دهد. در جریان صدور رأی، اختیارات قاضی به مانند قاضی تحقیق در استناد به روش های نوین بازجویی، وسیع نیست. در واقع حقوق عرفی و حقوق نوشته هر دو اختیارات قاضی در این حوزه را محدود می کنند. لذا در این بخش در دو مبحث دعاوی حقوقی و سپس جرایم کیفری، استناد به این روش ها در ادله اثبات بررسی شده است و سعی شده که بیشتر به مثال های حقوقی در این حوزه توجه شود.

۳-۴-۱ دعاوی حقوقی

در دعاوی حقوقی، دو اختیار برای قاضی منظور شده است. نخست تعدیل قضایی و دوم تعیین مسئولیت. تعدیل قضایی به معنای حداکثر انعطاف در حیطه اختیارات حقوقی قاضی در صدور حکم است. این مورد بیشتر در شروط غیر منصفانه کاربرد دارد. مطابق اصل ۴۰ قانون اساسی، هیچ کس حق ندارد که حق قانونی خویش را وسیله اضرار به دیگران قرار دهد. تشخیص این مسئله توسط تحقیقات قضایی امکان پذیر است و با توجه به آن که نمی توان حقوق افراد را نادیده انگاشت، تنها می توان به تعدیل روی آورد. به هر حال قاضی برای تعدیل احکام اختیاراتی دارد که نتایج حاصل از بازجویی به روش های بیان شده، اگر مستند به رفع مسئولیت نباشد، در کمترین توقع می تواند تعدیل کننده احکام قرار گیرد. اما در مورد تعیین مسئولیت، می توان به روش های نوین بازجویی نیز استناد نمود. به مثال های فقهی که پیشتر در مورد دعاوی دو زن بر سر یک فرزند و یا دعوا بر سر پسر و دختر بیان شد و توسط روش های مطروحه، حقیقت کشف گردید، می تواند مثال های خوبی در زمینه تعیین مسئولیت های این حوزه قرار گیرد. در ادامه به چند مثال حقوقی در این مورد پرداخته شده و تفسیرهایی برای آن ذکر گردیده است.

در جریان یک دعاوی حقوقی در شهرستان اصفهان که به مسائل مالی و صدور چک مربوط بود، به درخواست قاضی پرونده، دادیار دادرسی مسئول تحقیقات تخصصی در این مورد گردید. بنابر گزارش دادیار، آقای صادقی پیشتر در چند پرونده، سابقه رباخوری داشته است. در تحقیقات محلی بدون جمع آوری سند، به رباخواری این فرد مجدداً اشاره شده است. طرف دیگر پرونده، آقای سلیمی به خوشنامی در بازار معروف است. در بازجویی انجام شده، شخصیت این فرد برای افراد محرز است. چک صادره به امضای آقای سلیمی می باشد، اما مبلغ ظاهراً توسط شخص دیگر نگاشته شده است. لذا چنین به نظر می رسد که با هدف نزول، پول به آقای سلیمی داده شده و ایشان با حفظ نام قرض چک سفید امضاء به آقای صالحی داده است. قاضی پرونده با استماع این نظریات رأی باز را برای آقای سلیمی صادر کرد. بدین معنا که قرار حبس با سپردن وثیقه معادل ۸۰ درصد مبلغ چک به دادگاه سپرده شده و اجرای رأی بدین صورت است که روزانه آزاد و شبانه می بایست به زندان باز گردد. در بررسی این پرونده چنین به نظر می رسد که قاضی براساس حقوق نوشته که چک دلیلی بر بدهکاری می باشد و نیز مستند نبودن دیگر اظهارات که دادیار پرونده گزارش نموده است. نمی تواند حق قانونی طلبکار بودن آقای صالحی را نادیده بگیرد. اما از اختیارات قانونی خویش استفاده کرده و با توجه به قرائن غیر مستند حاصل از روش های روانشناسی بازجویی، حکم باز را برای این متهم صادر نمود که بتواند راهی برای پرداخت بدهی اش باز بگذارد. چرا که می توان روزها به اشتغال پردازد و بدهی خود را پرداخت کند. همچنین وثیقه تعیین شده نیز با کمال ملاحظه به عنوان قرار تامین صادر گردید. نکته دیگر اینکه وجود اسناد که در اینجا همان چک می باشد، بر تمام اظهارات ارجحیت دارد و قرار محکومیت براساس آن صادر شده است. سند برتر از علم قاضی قرار دارد. براین اساس قاضی تنها براساس علم خود توانسته است که حداکثر انعطافات را در صدور حکم لحاظ نماید.

در جریان مثال حقوقی دیگر، خانم نون از آقای عزیزی به خاطر بدهکاری شکایت نمود و همچنین گواهان بدهکاری تنها شهود و دستخط وی بود. در واقع به موجب یک دست نوشته، مبلغ مشخصی به قرض داده بود و اکنون از پرداخت آن امتناع می کرد. آقای

عزیزی در حال فروش مغازه‌اش بود، لذا خانم نون درخواست برداشت بدهی خود از محل فروش مغازه را صادر کرد. دادگاه ابتدا به توقیف مغازه و ممنوعیت انتقال سند، به اداره ثبت اسناد نامه نگاشت. اما آقای عزیزی اعلام کرد که ملک پیش از آغاز دعوا و همچنین پیش از بدهکاری به فروش رفته است. تنها یک قولنامه دستی به دادگاه ارائه شده که تاریخ انعقاد آن پیش از تاریخ قرض دادن پول بود. در جریان بازجویی توسط دادیار، این ادعا صحیح ارزیابی شد. بنابر گزارش دادیار سوالات در مورد تاریخ ها به چند روش مختلف پرسیده شده است. در هیچ یک از روش‌های سوال پرسیدن، آقای عزیزی سخنان متناقض بیان نداشته در روزها و ساعت‌های عقد قرارداد در واقع در چند جنبه سوالات پرسیده شد. بازجویی در دو روز متوالی انجام شد. لذا به نظر می‌رسد که ایشان در گفتار خود صادق است. قاضی به استناد این گزارش، آزادی سند توقیف شده را اعلام کرد. از این مثال چنین برداشت می‌شود که در اینجا تعیین مسئولیت و همچنین صدور حکم، مسئله‌ای به جز تعدیل قضایی است که بنا به گزارشات بازجویی انجام شد. همچنین روش بازجویی که سوالات در چند جنبه مختلف پرسیده شد و بیان داشته شد که ایشان در گفتار خود صادق است، علم قاضی را تحت تاثیر قرار داد. از سوی دیگر سند دست نوشته‌ای که تاریخ آن به قبل از بدهکاری باز می‌گشت، بعنوان اماره‌ای بر صحت این گفتار تلقی شد. این رأی در دادگاه تجدید نظرخواهی، فرجام خواهی شد و اجرای آن قطعی گردید. البته دیگر مثال‌های حقوقی در این حوزه نتیجه برعکس داشت و قاضی حق ممتاز را برای بدهکاری تعیین نمود. اما در این مورد خاص، معامله از پیش انجام شده، به رسمیت شناخته شد.

نتیجه نهایی اینکه در جریان دعاوی حقوقی، استناد به نتایج روش‌های بازجویی به هر طریق ممکن می‌تواند علم قاضی را تحت تاثیر قرار داده و هم در جریان تعیین مسئولیت و هم در جریان تعدیل قضایی مورد استفاده قرار گیرد.

۳-۴-۲ جرائم کیفری

در جرایم کیفری، قاضی به استناد گزارش‌های حاصل از بازجویی، همانند آنچه که در دعاوی حقوقی و مثال‌های مرتبط بدان بیان شد، می‌تواند نسبت به تعدیل و یا تغییر مسئولیت‌ها حکم صادر کند. مبنای دادرسی نیز مواد آیین نامه دادرسی و همچنین دیگر مواد قانونی بوده که پیشتر در مورد آن بحث شد. نکته قابل توجه اینکه در جرائم کیفری که مستوجب حد و قصاص می‌باشند، تعدیل قضایی وجود ندارد. لذا این مبحث به دو قسمت تقسیم شده که در حوزه جرایم مستوجب حد و قصاص و دیگر جرایم کیفری بحث شده است. مثال‌های حقوقی نیز به قصد آشنایی با حقوق عرفی این حوزه بیان شده است. چنین نتیجه شده که جرائم کیفری که غیر از مواردی که مستوجب حد و قصاص می‌باشند، اختیارات قاضی به مانند آنچه که در بخش دعاوی حقوقی گفته شد، می‌باشد. اما در جرایم مستوجب حد و قصاص، تعدیل قضایی وجود ندارد و قاضی تنها بنابه‌ادله حاصله می‌تواند نسبت به تبیین مسئولیت کیفری و تعدیل آن، اقدام کند. البته در جرایم سنگین‌تر استنادهای منتهی به صدور حکم می‌بایست قوی تر قرار گیرد، چرا که مراجع تجدید نظر در این باره دقت بیشتری داشته و حتی در جرایم سنگین، مرجع تجدیدنظرخواهی دیوان عالی کشور می‌باشد. استناد به گزارشات بازجویی با هدف صدور حکم می‌بایست متناسب با جرم انجام شده، بیشتر به امارات نزدیک باشد.

چنین نتیجه شد که هم تعدیلات و هم تعیین مسئولیت‌های کیفری، مطابق با اسناد و اماراتی بوده که در طول تحقیق به دست آمده، قابل تبیین است. البته کیفیت امارتی که علم قاضی در استناد احکام بدان توجه می‌کند، قابل بحث است و می‌بایست توان کشف حقیقت را داشته باشد. در صورتی که امارت متاثر کننده علم قاضی، چندان معتبر نباشد، احتمال لغو آن در مرجع تجدیدنظرخواه وجود داشته و این احتمال بسته به سنگین بودن جرم، بیشتر است.

در جریان رسیدگی به جرایم مستوجب حد و قصاص، تعدیل قضایی وجود ندارد و تنها می‌تواند مسئولیت را منتسب و یا مرتفع نمود. پیشتر در مورد مثال حقوقی فرد دوقطبی مطالبی بیان شد. قتل‌هایی که توسط این افراد رخ می‌دهد و معمولاً متهم و وکلای آنها به ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی متوسل شده که در نظر دارند به استناد به جنون، از مسئولیت کیفری رهایی یابند، گزارشات پزشکی قانونی می‌تواند نظر قاضی را در رابطه با این وضعیت را متاثر سازد. اما نکته قابل توجه اینکه، در قانون مذکور بیان شده که جنون در

هر مرحله از جنایت مسئولیت کیفری را مرتفع می سازد. این در حالی است که گزارشات پزشکی قانونی تنها جنون دائمی را به تأیید می رساند، و لیکن جنون لحظه ای قابل تشخیص نیست. از سوی دیگر حتی مستی درحین انجام جنایت مستوجب رفع مسئولیت کیفری است (ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی). این جاست که استناد به روش های نوین جهت کشف حقیقت کاربرد دارد. گزارشات پزشکی قانونی و شمول ماده یادشده در قانون مجازات اسلامی از راهکارهای کشف این حقیقت است، اما در تعیین جنون لحظه ای بنابه نتایج بازجویی که از روش های روانشناسی برخاسته است، می تواند رأی قاضی را تحت تأثیر قرار دهد که نمونه هایی از آن پیشتر بیان شد. در بررسی موارد دیگر هم انتساب مسئولیت و هم رفع مسئولیت مشاهده شده است. هیچ یک از مثال ها نقض رأی در مرجع فرجام خواهی را گزارش نکرده است. این مسئله را می توان به اختیار قاضی و بنا به امارتی نهاد که بر مبنای آن، علم قاضی حاصل می شود و لذا کیفیت بازجویی در این باره اهمیت ویژه دارد. البته به کرات توصیه شده که با توجه به مسئولیت سنگینی که براساس این ماده قانونی سلب و یا منتسب می شود، می بایست نهایت سخت گیری را در بررسی ها انجام داد. مرجع فرجام خواهی این قبیل احکام دیوان عالی کشور بوده که نظارت دقیقی بر روند دادرسی دارد و لذا در مسئله مذکور می بایست تمام قرائن مستند را جمع آوری و بر مبنای آن علم قاضی را متأثر کرد. دیگر روش ها جهت تعیین دقیق جنون لحظه ای معمولاً بدون اعتماد است.

در بررسی حقوق عرفی، چنین برداشت شد که ارتفاع مسئولیت کیفری و یا انتساب آن در حیطه جرایم مستوجب حد و قصاص، تنها بنا به قوت قرائنی بوده که در ظاهر پرونده موجود است و علم قاضی نیز می تواند مستند به آنها رأی صادر کند. با توجه به سنگین بودن این جرائم توصیه شده که نهایت سخت گیری و دقت در دادرسی این پرونده ها انجام شود. با توجه به آنکه سلب و یا رفع مسئولیت چنین احکامی، موجب جابجایی بسیاری از حقوق، به خصوص اولیای دم می گردد، نیاز است که این پرونده ها با حساسیت بسیار بالا و تنها با قرائن بسیار محکم، دادرسی شود.

۴- نتیجه گیری

مطابق آنچه تاکنون بیان شد، اگر جریان تحقیقات بر پایه روش‌های نوین بازجوئی، بر پایه آنچه در مورد آن توضیح داده شد، انجام گرفته باشد و بایسته‌های حقوقی در مورد آن لحاظ شود، می‌تواند در دادگاه مورد استناد قرار گیرد. بالاترین درجه ادله اثبات، ابتدا به اقرار و سپس به شهادت صحیح تعلق داشته که البته تکمیل بودن پازل ماجرا می‌بایست برای مسئولین قضائی محرز شود. در غیر این صورت مجموعه امارات می‌بایست علم قاضی را متأثر نماید. هر اماره برحسب میزان اعتماد بدان، درجه قوت داشته و علم قاضی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. بسته به نوع پرونده، از درجات متفاوتی از امارات استفاده می‌شود. گزارش‌های بازجوئی نیز نوعی اماره است که بسته به نوع روش بکار رفته در بازجوئی، علم قاضی را مستند می‌کند. چنین نتیجه شد که در دعاوی حقوقی، گزارش‌های حاصل از روش‌های نوین بازجوئی می‌تواند اختیار قاضی برای تعیین مسئولیت و یا تعدیل احکام صادره را فراهم کند. در جرائم کیفری غیر از حد و قصاص نیز چنین وضعیتی مشهود است. ولی در جرائم حدی، قاضی اختیار تعدیل نداشته و تنها تعیین مسئولیت در این باره به اختیار قاضی سپرده شده است. اما در جریان تحقیقات، اختیارات قاضی تحقیق این اجازه را داده که براساس قرائنی که بدست آمده است، قرار بازداشت موقت و دیگر موارد تأمین را صادر کند که نتایج حاصل از بازجوئی نیز مؤید این مورد است.

منابع

۱- فارسی

- ابوطالبی، وحید (۱۳۸۵) تجزیه و تحلیل مولفه های شناختی سیگنال الکتریکی مغز و کاربرد آن در دروغ سنجی، دانشگاه امیرکبیر (دکتری).
- آشوری، محمد (۱۳۸۷) آئین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات سمت.
- بازگیر، یدالله (۱۳۷۸) علل نقض آرای محاکم کیفری در شعب دیوان عالی کشور، تهران، بازگیر.
- باقری اصل، حیدر (۱۳۸۵) نظریه تفصیل مبادی علم قاضی، فلسفه و کلام ۱ (۹) ۱-۳۰.
- بزرگمهر، امیرعباس (۱۳۸۹) تاثیر روانشناسی در شهادت به عنوان اثبات دعوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بهرامی، بهرام (۱۳۸۷) بایسته های ادله اثبات، تهران، انتشارات نگاه بینه.
- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۵۶) دلایل قضائی در حقوق انقلابی فرانسه، تهران، چاپ خرم.
- حیدری، الهام (۱۳۹۳) اعتبار علم قاضی در صدور احکام کیفری در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ۵ (۲) ۸۹-۱۱۰.
- خرسندیان، علی (۱۳۹۷) بررسی حجیت علم قاضی در فقه و حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری ۲۲ (۴) ۱۲-۲۵.
- دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۵) ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری، انتشارات تدریس، تهران.
- رجب، محمدعلی (۱۳۹۳) مبنای قضاء در اسلام براساس ادله اثبات دعوی و جرم شامل قطع قاضی اقرار بینه و قسم، شهر قانون ۱۰ (۱) ۴۳-۴۵.
- روستائی نژاد، علی؛ اوسط خانجانی، علی (۱۳۹۶) جایگاه شهادت شهود در اثبات جرایم شرعی، مطالعات علوم سیاسی ۳ (۴) ۲۶-۴۲.
- زارع شعار، حسین (۱۳۹۵) اقرار کیفری در حقوق ایران، مجله فقه و مبانی حقوق ۷ (۲۱) ۱۷۵-۱۸۳.
- ساریخانی، عادل؛ حیدری، مسعود (۱۳۹۲) بررسی فقهی و حقوقی ابراز شهادت توسط اطفال، صلبنامه پژوهش های قه و حقوق اسلامی ۹ (۳۱) ۸۳-۱۰۲.
- سهرابی، یعقوب (۱۳۸۸) بررسی فقهی و حقوقی حجیت علم قاضی، کانون وکلای دادگستری، ۱۴ (۱) ۱۳-۴۴.
- لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۰) ترمینولوژی حقوق، تهران، قلم.
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۰) تفسیر آئین دادرسی کیفری، تهران، میزان.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۶۴) حجیت علمی قاضی در ارتباط با رجوع به کارشناسی، مجله مطالعات حقوقی و قضائی ۲ (۱) ۴۰-۵۰.
- حیدری، الهام (۱۳۹۱) اصل آزادی تحصیل و ارزیابی در دادرسی کیفری ایران و انگلستان (مقطع دکترا)، دانشگاه تهران، پردیس قم.
- سلیمی، علی (۱۳۹۵) ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب.
- شاکر، مهتاب (۱۳۹۷) شروط غیر عادلانه در قوانین ایران و تعدیل قضائی مرتبط بدان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- صالحی، محسن (۱۳۹۷) بررسی فقهی قواعد عمومی ناظر بر ادله اثبات دعوی در قانون جدید مجازات اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز.
- یوسفیان، بهنام (۱۳۸۲) طریقت یا موضوعیت ادله در حقوق کیفری ایران، دانشگاه تهران.

- سایت رأی مثبت، تاریخ مراجعه ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ آدرس <https://rayemosbat.com>
- سایت قوه قضائیه اتحادیه اروپا، اریخ مراجعه ۱۳۹۸/۱۰/۲۲، آدرس WWW.CVRIA.COM
- آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۹ با آخرین اصلاحات.
- آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۸۱ با آخرین اصلاحات.
- قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ بازنگری شده در سال ۱۳۶۸.
- قانون حدود و قصاص مصوب ۱۳۶۱ با آخرین اصلاحات.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با آخرین اصلاحات.
- قانون مدنی مصوب ۱۳۱۶ با آخرین اصلاحات.
- قانون منع شکنجه مصوب ۱۳۸۱ با آخرین اصلاحات.
- خزائی، صالح (۱۳۹۷) جزوه درس آئین دادرسی مدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۷) جزوه درس آئین دادرسی کیفری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
- فرهنگ لغت معین.
- فرهنگ لغت عمید.
- فرهنگ لغت دهخدا.

۲- عربی

- قرآن کریم.
- اصفهانی، راغب (۱۳۷۷) المعجم الفاظ قرآن کریم، قم، دارالفکر.
- حلی (۱۳۸۹) فخر الدین ابی طالب محمد، قم، نشر اسماعیلیان.
- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۷۰) تحریر الوسیله، تهران، انتشارات دارالعلوم.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۴) المحصول فی علم الاصول، قم.
- طباطبایی، علی بن محمد (۱۴۰۴) ریاض المسائل، موسسه آل بیت، قم.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴) تذکره الفقهاء، انتشارات قم.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۳) جواهر الکلام، بیروت، دارالکتب.

۳- لاتین

- Bryan, I. (2019). Interrogation and confession: A study of progress, process and practice. Routledge.
- Johnson, J. M. (2019). Making a Difference With Participatory Democracy: An Alternative Vision of Taking Qualitative Research to the Public Realm. Qualitative Inquiry, 1077800419857101.
- Kader, A. A., Latif, M. A., & Zhou, Q. (2019). Exact optical solitons in metamaterials with anti-cubic law of nonlinearity by Lie group method. Optical and Quantum Electronics, 51(1), 30.
- Maxwell, N. (2019). Aim-Oriented Empiricism and the Metaphysics of Science. Philosophia, 1-18.
- Montasari, R., Hill, R., Carpenter, V., & Montaseri, F. (2019). Digital Forensic Investigation of Social Media, Acquisition and Analysis of Digital Evidence. International Journal of Strategic Engineering (IJoSE), 2(1), 52-60.
- Newig, J., Jahn, S., Lang, D. J., Kahle, J., & Bergmann, M. (2019). Linking modes of research to their scientific and societal outcomes. Evidence from 81 sustainability-oriented research projects. Environmental Science & Policy, 101, 147-155.